

وحدت در تنوع

دوشنبه ۱۹ مهر ۱۳۸۹ - ۱۱ اکتبر ۲۰۱۰

Atilio Boron

برگردان ناهید جعفرپور

درباره سوسیالیسم قرن 21 و رابطه طبقه کارگر با جنبش های اجتماعی سوسیالیسم را از نو بیاندیشیم. آیا زندگی ای بعد از نئولیبرالیسم وجود دارد؟ در قرن 21 طبقات و اقشار استثمار شده غالباً در شرایط جدید و متفاوت از هم مبارزه می کنند.

در باره نویسنده: وی در دانشگاه بویرس آیرس حقوق سیاسی تدریس می کند و رئیس برنامه تحصیل از راه دور آمریکای لاتین برای علوم اجتماعی است. سال 2009 از طرف یونسکو جایزه جوزه مارتی را دریافت نمود.

جنبش های اجتماعی آمریکای لاتین اندیشه مارکسیستی قرن 21 را با چشم انداز های نو از مناسبات رفرم و انقلاب، طرح های سوسیالیسم و راه های تحقق آن روبرو نمودند.

آتیلیو بورون دانشمند علوم سیاسی آرژانتینی در کتابش که همین روزهای اخیر از سوی انتشارات " و اس آ " در هامبورگ منتشر شده است در این باره تجربیات جدیدی را مطرح نموده است و فضای حرکتی را برای سیاست چپ بازگشوده است. درنوشته زیر روزنامه یونگه ولت چکیده ای از مطالب کتاب نامبرده را به چاپ رسانده است.

فیدل کاسترو در سخنرانی معروفش " تاریخ مرا تبرئه خواهد نمود " واژه " ملت " را تعریف نموده است و با بیانات زیر سنتی قدیمی را شکسته است: " ما می فهمیم زمانیکه در باره مبارزه صحبت می کنیم. مبارزه در میان ملت (...). ملتی که از هر سوی گول خورده است و مورد خیانت قرار گرفته است و آرزوی میهنی بهتر، عادلانه و در خور شرف انسانی را در سر دارد. کسی که از قدیم بخاطر آرزوی عدالت رانده شده است. زیرا که نسل هاست تحت بی عدالتی و ریشخند رنج کشیده است (...). و در اینجا 600000 کوبائی بیکار، 500000 کارگر مزارع، 400000 کارگر صنعتی و روزمزد، 100000 دهقان خرد، 30000 معلم، 20000 تاجر خرد، 10000 جوان آموزش داده شده (...). به این ملت (...). نمی خواستیم بگوئیم: " که می خواهیم چیزی را به تو ببخشیم بلکه با تمام نیرویت بجنگ تا آزادی و خوشبختی از آن تو شود".

از میان این سخنان کاسترو منطقی دیگر بیرون می آید تا منطق طبقه کارگر. تمرکز قوی روی طبقه کارگر برای چپ های آمریکای لاتین خسارات فراوانی را به همراه داشت و پیامدهایش این بود که بخش

عظیمی از ملیت های سرخ پوست، تهیدستان روستائی و شهری از سوی چپ ها با بی اعتنائی روبرو شوند و بنابراین این پهنه عظیم مردم لعنت شده در پیرامون سرمایه داری به شکلی از چشم چپ ها دیده نشود. مسئله ای را که کاسترو در بالا بیان نمود در واقع شکستگی در مارکسیسم کلاسیک را به نمایش نهاد. تصویری که از ضرورت ها و نیاز های پهنه جامعه تحت ستم قرار گرفته و استثمارشده حرکت می کند و وحدت آنان را در مبارزات برابری طلبانه خواهان است.

جامعه شناس فرانسوی:

François Houtart

می نویسد: " سرمایه داری کنونی مدتهاست که دیگر تنها پرولتاریا را تحت ستم قرار نمی دهد بلکه وی اکثریت بالائی از مردم جهان را مجبور می سازد که خود را با منطق سرمایه تطابق دهند. مسئله ای که باعث می گردد تا بخشی مهمی ازگردانندگان اجتماعی متفاوت در تضاد با بورژوازی قرار بگیرند. پرولتاریای صنعتی قدیمی کوچک تر شده و در فراکسیون های بیشماری بخش بخش گردیده است. بجای آن بسیاری از طبقات تحت ستم و گروه هائی پای جلو نهاده اند که تحت شرایط مشخص حاضر به مبارزه می باشند.

بی شک انعکاس این توسعه باعث شکست پروژه های سرمایه داری شد". با این حال مقاومت طبقه کارگر در برابر منطق سرمایه بی نتیجه نبود و همانطور که مارکسیست بریتانیائی:

Ralph Miliband

می نویسد: " اگر ما امروز در برخی از نقاط یک سرمایه داری دمکراتیک، یک دولت رفاه، جامعه ای باز داریم، دلیلش این است که طبقه کارگر در غرب به سرمایه داری حمله نموده است و یا حداقل تلاش کرده است این سرمایه داری را اصلاح نماید".

روشن است که تلاش نشد تا آسمان را در حال طوفان فتح نمایند و پروژه ها موفقیت های متفاوت داشتند. اما نقش محوری طبقه کارگر و محرک بودن آنها در دگرگونی رد شدنی نیست. از این روی طبقه کارگر جوامع توسعه یافته در نیمه دوم قرن بیستم موفق نشد میسیون تاریخی خویش را یعنی گذر از سرمایه داری را به اجرا در آورد - اما همچنان بارها تلاش نمود.

مدل جدید پرولتاریا

با توضیحات بالا این پرسش باز است که آیا اصولا نقشی برای طبقه کارگر وجود دارد. درتئوری های غالب در علوم اجتماعی نه تنها برای طبقه کارگر نقش تغییر دهنده را پاک کرده اند بلکه همزمان در بررسی ها به آن پرداخته نشده و در باره اهمیت طبقات اجتماعی به هیچ وجه تحقیقی نمی شود. اما همانطور که تئولوگ های قرون وسطا

تلاش نمودند قوانین طبیعی را نفی کنند در مد روشنفکری کنونی هم همینطور شده است: قوانین حرکت جامعه بورژوازی به این سادگی محو نمی شوند آنهم تنها به این خاطر که بررسی های اجتماعی ماتریالیستی توسط بازی با کلمات جایگزین شده اند. بازی با کلماتی که تنها کمک می کنند تا کاراکتر استثمار گر و ستم گر جامعه بورژوازی پوشانده شوند. همانطور که مخالفین گالیله ادعا می نمودند که زمین بدور خورشید نمی گردد بلکه خورشید و کرات دیگر دور زمین می گردند، پست مدرن های علوم اجتماعی هم ادعا می کنند که اعتقاد دارند طبقات اجتماعی و مبارزاتشان بعنوان موتور حرکت تاریخ به دیروز و گذشته تعلق دارند.

بله افزایش تعداد گردانندگان اجتماعی به این معنی نیست که کاراکتر طبقاتی جامعه از بین رفته است. بلکه قبل از همه به این معنی است که پیرامون های اجتماعی و سیاسی مجموعه ای شده اند و تنوع و افزایش گردانندگان اجتماعی با محو طبقات اجتماعی رابطه ای ندارد و به این معنی نیست که پایان مبارزات طبقاتی فرا رسیده است.

در مرکزیت قرار داشتن طبقه کارگر موضوعی آماری نیست. بزرگی آن و یا شرکت آن در جامعه سرمایه داری یک نقش اساسی دارد. نقش محوری طبقه کارگر تغذیه می شود از پروسه تولید و نقش غیر قابل جایگزینی اش در به کاربری سرمایه. نتیجه گرفته می شود که تنها این طبقه است که می تواند در شرایط مشخص نظم بورژوازی را سرنگون سازد و مسلم است که این طبقه برای این میسیون تاریخی به پشتیبانی طبقات دیگر اجتماعی و گروه های دیگر نیاز مند است. در مانیفست حزب کمونیست مارکس و انگلس به این مسئله پرداخته اند.

اگر ما امروز از پرولتاریا صحبت می کنیم دو شرایط متفاوت را پیش روی می بینیم: اول کوچک شدن پرولتاریای صنعتی کلاسیک و دوم بزرگ شدن غیر قابل باور و رشد غیر یکنواختی و تنوع است. در جهان توسعه یافته و پیرامونش همواره پرولتاریای صنعتی کلاسیک کمتر می شوند. اما همزمان می تواند گفته شود که در تاریخ تا کنونی اینقدر پرولتاریا بمانند امروز وجود نداشته است - تنها فرقی این است که اینان پرولتاریای مدل جدید می باشند. دقیقا از این منظر:

Frei Betto

فعال سیاسی و تئولوگ برزیلی حرکت می کند زمانیکه وی از پرولتاریای آمریکا لاتینی و نقشش در دگرگونی جوامع صحبت می کند. این پرولتاریا مخلوطی است از کارگران صنعتی، کارگران اسبق که بیکار شده اند، بخش های غیر رسمی شهری و روستائی، طبقه متوسط فقیر شده و پرولتاریزه شده، سرخپوستان و ملیت های دیگر. یا با

زبان دیگر: از مردان و زنانی که در این سیستم برای آنها هیچ امید و راه نجاتی نیست.

مجموعه مناسبات طبقاتی

این تغییرات در آناتومی طبقات تحتانی بخش بزرگی توضیح دهنده این مسئله می باشند که چرا سازمان های سنتی در بحران قرار گرفته اند؛ زیرا که احزاب و اتحادیه های کارگری تا کنون موفق نشده اند خود را با این واقعیت جدید تطابق دهند و این فضای خالی هر چه بیشتر توسط جنبش های اجتماعی پر شده است. این جنبش ها بیانگر این یا آن واقعیت هستند. اما آنها در تضاد با این هدف که تغییرات به وجود آید قرار ندارند. خواسته های سازمان های همسایه در محله های فقیر نشین، گروه های زنان، سازمانهای جوانان، طرفداران محیط زیست، پاسیفیست ها، فعالان حقوق بشر کاملاً فهمیده نمی شوند اگر که آنها را در فضای مجادلات طبقاتی و نفوذ بورژوازی بررسی نکنیم. از سوی دیگر این به آن مفهوم نیست که حرکات این جنبش ها را به بررسی های طبقاتی مختصر نمائیم و از این مسئله این را استخراج نمائیم که این همانی است که معامله را تعیین می کند. این جنبش های جدید پدیده های کلاسیک مبارزه طبقاتی نیستند اما آنها طریقه جدید تضاد ها و خواسته ها را بیان می کنند. تضاد ها و خواسته هائی که از اختلافات در میان جامعه سرمایه داری خلق شده اند. اما دینامیک جنبش های نوین اجتماعی را به هیچ وجه نمی توانیم توضیح دهیم اگر که ما آنها را در یک قرینه بزرگ مناسبات طبقاتی و تضاد هایشان مورد توجه قرار ندهیم. در غیر این صورت چگونه می توان مبارزه سازمانهای همسایه (منظور سازمانهای است که از مردم حاشیه شهرها تشکیل شده است) در پیرامون شهرها را فهمید که خواهان برق و آب می باشند بدون اینکه توجه کنند که چگونه بورژوازی ای که زمین ها را انباشت کرده رهبریت می کند و با سفته بازی هایش میلیون ها مردم آمریکا لاتین را دچار لعنت نموده است و آنان را در فقری سیاه فرو برده است؟.

چگونه می توان خواسته های فعالان حقوق بشری در آمریکای لاتین را تفسیر نمود. اگر که فراموش کنیم که در این کشورها بورژوازی و امپریالیسم بارها تلاش نموده اند با فشار های بیحد یک نظم ناعادلانه را ایجاد کنند؟.

چگونه می توان طرفداران محیط زیست را فهمید اگر که توجه نداشته باشیم که منطق آنها در حفظ محیط زیست در تقابل منطق سرمایه داری قرار دارد؟

با این وجود باید تحقیق شود که طبقات و اقشار تحتانی کدام تغییرات عمیق را تجربه کرده اند. همچنین باید پذیرفته شود که نوک

هرم اجتماعی بورژوازی و فراقسیون های متفاوت آن تقویت شده اند. بورژوازی در این موقعیت قرار داشت که استراتژی ها و تاکتیک هایش را با هم یکی کند. آنهم در فضای فوروم اقتصادی داوس حتی در سرتاسر جهان. در حالیکه طبقات تحتانی از هم تکه تکه می شدند در طبقات فوقانی بر عکسش اتفاق افتاد: آنها خود را متحد نشان دادند. برای کسانی که می خواهند سوسیالیسم را بسازند این ها مبارزه طلبی های جدید و بزرگ است.

یکی شدن بیش از حد سرمایه داری کنونی خطوط مجادلات جدیدی را به وجود آورده است که این مجادلات در کنار مجادلات طبقاتی کلاسیک وجود دارند. میلی باند می نویسد: " این نباید به این مفهوم باشد که زنان، سیاهان، صلح طلبان، زیست محیطی ها، جنبش هموسکسوال ها مهم نیستند و یا انعکاسی ندارند و یا این گروه ها هویت خویش را باید فراموش کنند. نه به هیچ وجه! این تنها به آن معنی است که مهم ترین (و نه تنها ترین) گور کن سرمایه داری طبقه کارگر سازمان یافته باقی می ماند. در حقیقت همانطور که همیشه گفته شده است اگر که طبقه کارگر سازمان یافته این وظیفه را به عهده نگیرد در این صورت این وظیفه انجام نخواهد پذیرفت. به هیچ وجه تا کنون در دنیای پیشرفته سرمایه داری و دنیای طبقه کارگر این اتفاق نیافتاده است که تصورات آینده مبهم و مه آلوده گردند.

اگر جمع بندی کنیم باید گفت که برای ساختمان سوسیالیسم قرن 21 باید پذیرفته شود که نه یک بلکه بیشمار فاعل وجود دارد. این وظیفه وجود دارد که هر آنجا که تعداد بیشماری تفاوت ها وجود دارند وحدتی به وجود آورد. زبان ها، فرهنگ ها، سنت ها، آداب، ایدئولوژی های طبقات تحتانی بسیار متفاوتند و ضروری است که آنها را آنچنان یکی نمود که موفق گردید توسط آن سازماندهی سیاسی را به وجود آورد - مسئله ای که بسیار دشوار است - کسی که بخواهد با منطق های نادرست و ایده های متافیزیکی چون ایده هاردت و نگری وارد عمل شود مسلما برنده نخواهد شد. همچنین ایده های ارنستو لاکلابو هم نمی تواند به موفقیت یاری رساند. همچنین با منطق های لیبرالی هم چون منطق شهروندی و شرایطی که شهروندان در آن بسر می برند نمی توان به این امر دست یافت. به این امر همچنین استفاده از واژه های مجردی چون " ملت" و " ملت خودگردان" هم کمتر یاری می رساند. بدتر از همه این است که اعتقاد داشته باشیم که فاعلین جدید از شکل دادن استراتژی برای گرفتن قدرت صرف نظر کنند. زیرا که در اندیشه مارکسیستی گرفتن قدرت تم مرکزی هر انقلابی است.

در هر حال به صرفه است که سخنان میلی باند را به خاطر آوریم که می نویسد: " اگر که همچنین جنبش های جدید اجتماعی و " روشنفکران

پست مدرن" هم به محوری بودن طبقه کارگر شک کنند (...), اما نیروهای محافظه کار جامعه این کار را نمی کنند. برای آنها طبقه کارگر و چپ ها هنوز هم مهمترین مخالفین می باشند."

نکته ای که در این مشکل باید مورد توجه قرار گیرد تناقض غلط میان احزاب و جنبش های اجتماعی است. این تناقض فرضی در سال های گذشته متاسفانه عمیقا در تصورات بسیاری از فعالان اجتماعی و سیاسی در آمریکای لاتین و کاربیک پدید آمده است (...).

این ساده سازی واقعیت هیچ پایه تحقیقی که واقعیت های سیاسی و اجتماعی کشور های آمریکای لاتین را در نظر گرفته باشد، ندارد؛ فشارهایی که احزاب از آن رنج می برند در قاعده سریعا به جنبش های اجتماعی هم منتقل خواهد شد. شعار های آنان مبنی بر دمکراسی پهنه جامعه در سلسله مراتب خویش انجام نمی شود. بحث و تبادل نظر به اندازه کافی نمی شود و شکل جدید سیاست ورزی ای که بسیاری از جنبش های اجتماعی پیشه می کنند دست آخر به عملکردهائی خاتمه می یابد که در احزاب سیاسی مورد تنفرشان انجام شد.

با زبانی دیگر: احزاب و جنبش های اجتماعی دو نوع متفاوت از بیان منافع طبقات تحتانی جامعه را نمایندگی می کنند. زیرا که آنها در صحنه های متفاوت بازی می کنند و به همین خاطر هم دو نوع متفاوت هستند که در تضاد با یکدیگر قرار ندارند بلکه همدیگر را بسیار تکمیل می کنند: احزاب در فضای نهاد های سیاسی کار می کنند و جنبش ها در پیرامون جوامع مدنی. اگر که جنبش های اجتماعی رابطه تنگاتنگ با پهنه خود به وجود آورند و از این طریق آنها را قدرتمند تر نمایندگی کنند در اینجا مشکلی به وجود خواهد آمد به این صورت که در همان لحظه که می خواهند منافع بیان شده متفاوت را در یک فرمول سیاسی جمع نمایند، ضعف نشان خواهند داد. از این روی احزاب بزبان گرامشی "شاهزاده های مدرنی هستند" که از این عملکرد برخوردارند که تکه تکه های طبقات تحتانی را جذب کنند و با هم متحد سازند. بی تفاوت از اینکه کدام انتقاد های صحیح به یک حزب وجود دارد اما همچنان این خود توانائی در روند برابری خواهانه است (...).

رفرم و انقلاب

در اینجا هنوز مسئله ای ناشناخته می ماند: چگونه پختگی آگاهی انقلابی در طبقات تحتانی تعیین کننده خواهد بود؟ در سخنرانی در دانشگاه کنسپسیون شیلی در سال 1971 فیدل کاسترو گفت که در مجموعه دیالکتیک رفرم و انقلاب با یکدیگر عجین می باشند: "انقلاب فاز های متفاوت دارد. مبارزه ما بر علیه باتیستا برنامه ای سوسیالیستی نبود و نمی توانست برنامه ای سوسیالیستی باشد. زیرا که اهداف

بلاواسطه مبارزه ما هنوز اهداف سوسیالیستی نبودند و نمی توانستند باشند. این اهداف سطح آگاهی سیاسی جامعه کوبائی را در این فاز به جلو برد و همچنین می توانست سطح امکانات ملت ما را در این فاز جلو برد. برنامه در زمان حمله به پادگان نظامی مونکادا برنامه ای سوسیالیستی نبود اما برنامه ای انقلابی بود. این ملت ما بود که در این لحظه خود را نشان می داد."

چه درس هایی میشود از این جمله ها گرفت؟ در هر صورت یک درس: این وظیفه نیروهای اجتماعی است که درجه آگاهی واقعی سیاسی و امکانات واقعی مبارزه مردم آمریکای لاتین را دقیقاً منتقل سازند. موضوع بر سر این است که شرایط واقعی به وجود آورد که به هیچ وجه هم ساده نیست زیرا که مردم قرن هاست با هر نوعی از پیش داوری ها، عرفان ها، خرافات، فرهنگ و سنت ها و ایدئولوژیک ها بمباران شده اند که این مسئله رشد خودآگاهی روشن در باره وضعیتشان را مانع گشته است. درس دیگری که از بیانات فیدل کاسترو می گیریم این است که: برای جرقه زدن به فکرها احتیاج به مقداری زیاد ولت برق است برای آنکه آنها در موقعیتی قرار بگیرند تا عملکرد از خود نشان دهند. عملکردی که می تواند پیرامون را به آتش بزند. در کنار این باید موضوع بر سر این باشد تا توضیحی قابل فهم و متقاعد کننده برای بحران کنونی داد و همچنین راه های واقعی خروج اضطراری را نشان داد. یکی از ابزارهای که به نفوذ امپریالیستی کنونی بیشتر از همه کمک می کند، نبود عدم آگاهی در باره فاجعه اجتماعی اقتصادی که سرمایه داری باعثش می باشد نیست بلکه تفدیراندیشی خشک و قطع امید کردن است که ناممکن می سازد تا بدیلی اصولاً شکل گیرد. مارکسیسم معاصر باید ثابت کند که بدیل هایی وجود دارند که راه برای عملکرد را هموار می کنند. هیچکسی به این نمی اندیشد که از این زندان فرار کند زمانی که راه خروج را نمی شناسد و استراتژی برای برون رفت از زندان را ندارد.

نئولیبرالیسم موفقیت تعیین کننده ای را در جبهه ایدئولوژیک بدست آورد و موفق شد جوامع ما را و از همه مهمتر اقشار و طبقات تحتانی این جوامع را متقاعد سازد که هیچ راه خروجی وجود ندارد. این در واقع بستر مبارزه ایده هاست: که نشان داد که زندگی بعد از نئولیبرالیسم وجود دارد که جهانی دیگر ممکن است و پایان تاریخ هنوز نرسیده است. برای این منظور باید نیروهای چپ اما به اندازه کافی روشنی تئوریک به وجود آورند تا روحیه ملی و بین المللی بدرستی خود را نشان دهد و با اطمینان بتوان گفت که مناسبات قدرتی چگونه قرار دارند (...).

فیدل کاسترو گفته است که یک انقلابی حقیقی همواره تلاش برای

تغییرات اجتماعی خواهد نمود. اما این به آن مفهوم نیست که این تلاش حداکثر برای تغییرات اجتماعی همیشه پیشنهاد خواهد گشت. این مسئله همواره به موقعیت ها و شرایط مشخص و توجه به سطح پیشرفت آگاهیو مناسبات قدرتی بستگی دارد که آیا یک هدف مشخص انجام گردد یا نه. اگر که این هدف یکبار بدست آمد بعد باید هدفی دیگر را بجای آن دنبال نمود (...)

باید همواره توجه داده شود که موجودیت انقلاب باعث می شود که نیروهای ضدانقلاب برنامه ریزی کنند و نقشه بریزند. مثال های بیشماری وجود دارند که نشان داد در آمریکای لاتین یعنی خانه پشتی امپریالیسم هنوز هم رفرم های کوچک عکس العمل های ضد انقلابی را باعث می شوند.

پاسخ دیگری برای توضیح تلاش برای ایجاد سوسیالیسم قرن 21 وجود ندارد. اما زمانیکه فاعلان مقاومت و شورش آگاهی کامل در باره وظیفه تاریخی خویش بدست آورند و اشکال سازماندهی را پیدا نمایند تا توسط آن توانائی خویش را نشان دهند در این صورت دیگر هیچ مانعی نمی تواند جلوی راه آنان را سد کند.

برزیل قبل از انتخابات / اعتراض سرخ پوستان

دوشنبه ۱۹ مهر ۱۳۸۹ - ۱۱ اکتبر ۲۰۱۰
مگا پروژه لولا و مفهوم آن برای ملت های سرخ پوست سائو
فرانسیسکو

Sabrina Bussani

برگردان ناهید جعفرپور

زمانی که لولا در تاریخ 27 اکتبر 2002 انتخابات ریاست جمهوری را برنده شد، شادمانی در برزیل توصیف ناپذیر بود. رهبر ملت توکسا مانوئل گایوسا با تلخی ای آشکار می گوید " من موفق شده بودم تمامی مردم جامعه ام را متقاعد سازم به وی رای دهند. زیرا که او از میان ما بود و چون ما مخالف پروژه های بزرگ بود. خوب بنظر می رسد که لولا نظرش تغییر کرده و ما با خواسته هایمان تنها مانده ایم و گول خورده ایم و کسی را نداریم که در سطوح سیاسی ما را

نمایندگی کند".

مانوئل اوپلتون عضو سازمان سرخ پوستان برزیل است و در زمستان امسال (16 ژانویه تا 8 فوریه) به همراه ادلینه بزرا از ملت تروکا و سایولو فایتوسا از شورای میسیون سرخپوستان برزیل دور اروپا را سفر نمودند تا پشتیبانی مردم خارج از برزیل را برای کارزار " اوپارا" جلب سازند. کارزار نام برده شده از سوی ملت های سرخ پوست به راه افتاده تا بدان وسیله نزد افکار عمومی جهان بر علیه پروژه های بزرگ برای تغییر مسیر رودخانه سائو فرانسیسکو و همچنین نابودی محیط زیست و زیر پا نهادن حقوق بشر شکایت نمایند.

رودخانه سائو فرانسیسکو از 6 ایالت برزیل می گذرد و با طول 3.160 کیلومتری سومین رودخانه بزرگ برزیل است. " اوپارا" نامی است که سرخ پوستان برای این رودخانه انتخاب نموده اند و در زندگی ملت های سرخ پوست برزیل و جوامع مختلف آفرو برزیلی که در کنار رودخانه زندگی می کنند نقش اساسی و تعیین کننده بازی می کند.

به شکرانه این رودخانه زندگی 70000 خانواده که از قبل رودخانه کار می کنند تامین می گردد؛ این رودخانه امکانات زراعت، آبیاری، ماهیگیری و پرورش دام را فراهم می سازد. بعلاوه اینکه این رودخانه در فرهنگ منطقه ای نقش اساسی بازی می کند. آنچه مهم است اینکه این رودخانه در شکل کنونی اش مدت زیادی باقی نخواهد ماند. زیرا که می بایست طبق برنامه پروژه های بزرگ روی آن انجام شود و با زبان ساده تر سرتاسر رودخانه از سمنت پر گردد. در واقع برنامه این پروژه ها شاخ مات سیاسی بود که رئیس جمهور لولا در ژانویه 2007 برای شدت دادن به توسعه برزیل طرح ریزی و تصویب نمود. هزینه این مگا پروژه در حدود 2,5 میلیارد یورو است و طرح ساخت دو کانال 600 کیلومتری برای تغییر مسیر رودخانه و دو سد بسیار بزرگ و 7 سد کوچک و بنای 9 ایستگاه پمپ آب و 27 لوله بزرگ انتقال آب و 8 تونل و... را در نظر دارد. این پروژه می بایست مشکل احتیاجات آب خوردنی شمال شرقی برزیل را برای همیشه حل کند.

ایده این پروژه بزرگ ایده ای جدید نیست. در قرن 19 امپراطور پدرو دوم یک چنین طرحی را در سر داشت. در طول این زمان بارها این ایده از نو طرح گشته است و در نهایت در سال 1999 طرح مشخصی برای آن برنامه ریزی گشت. در ژانویه 2007 ساختمان اولین کانال ها برای تغییر مسیر رودخانه آغاز گشت. طبق گزارش دولت در حدود 12 میلیون انسان و 268 شهر از این پروژه بزرگ نفع خواهند برد. به نظر می رسد که این اعداد و ارقام توجیهی بودند برای تصویب این مگا پروژه؛ اختلافات صلاحیتی، ناروشنی ها، دقیق نبودن بررسی در باره قدرت تحمل محیط زیست، عدم مشورت و شرکت سرخپوستان و سایر خلق های

در حاشیه رودخانه در تصمیم‌گیری این پروژه (در حالیکه در قانون اساسی برزیل و قطعنامه صادر شده در سال 2002 " ای ال او" سازمان جهانی کار این حق تاکید شده است). سازمان جهانی کار امسال در گزارش سالانه خود از دولت برزیل خواسته است که خدجه دار کردن حقوق سرخپوستان را با جزئیاتش توضیح دهد.

در آغاز این پروژه بزرگ مناطق محلی شمال شرقی برزیل از این پروژه پشتیبانی نمودند و امیدوار بودند که با این پروژه مشکل آب خوردنی حل گردد اما بعد از اینکه آنها فهمیدند که هزینه لوله کشی و تصویه آب را باید از کیسه خود بپردازند، نظرشان تغییر نمود. زیرا که نه تنها قیمت‌ها بشدت بالا می‌باشند بلکه بخش اعظم منطقه‌های فقیر نشین قادر به پرداخت پول آب و هزینه‌های تصویه آن نمی‌باشند.

تمامی این شرایط دلائل محکمی می‌باشند که چرا مردم مناطق محلی از فایده این پروژه مایوسند. به واقع هم از این پروژه دهان پر کن تنها چهار درصدش به نفع مردم کشور است. 26% برای صنایع بکار گرفته می‌شود و 70% برای آبیاری پلانتاژهای کنسرن‌های چندملیتی و یا برای پرورش میگو استفاده خواهد شد.

بیشماری از سازمان‌های مدنی، مجامع محلی و کارگران حاشیه رودخانه، ماهیگیران و ملت‌های سرخپوست بر علیه این پروژه برخاسته‌اند.

قصه □ طولانی یک شانتاژ

پنجشنبه ۱۵ مهر ۱۳۸۹ - ۷ اکتبر ۲۰۱۰

روزنامه‌ی لبنانیِ الیوم الشرق، دوشنبه 4 اکتبر 2010

میشل حاجی جورجیو

برگردان : سیامند

بالاخره روزی این شانتاژی که بیش از پنج سال است مداوما بر سرمان است، باید پایان گیرد. بفرما که باز دوباره اگر مطالبات سیاسی-کمپی ایرانی - سوری فوری برآورده نشوند، به ما قول بلوا و آشوب می‌دهند، آن‌هم این دفعه در رابطه با رویای «دست کشیدن» از دادگاه ویژه □ برای لبنان¹. کافی است بازنگری کوتاهی به تحولات از 2005 تا کنون بکنیم، تا ببینیم که این تهدید و شانتاژ از

زمانی که اشغال کشور توسط سوریه پایان یافته، همواره روی سرمان بوده است.

بر این اساس بود که ناچار به تن دادن به خطای مطلق حمایت شده توسط اتحادیه ی چهارتایی ها در انتخابات قانون گذاری 2005 شدیم، که اگر چنین نمی کردیم، در مقابل «بن بست قانونی» - فرمولی مودبانه برای نامیدن کودتای زورکی انجام شده توسط حزب اله و سپس نبیه بری و میشل عون از دسامبر 2006 تا ماه می 2008 - قرار می گرفتیم که هرگونه بازآفرینی حیات سیاسی را در لبنان فلج می کرد. بعد از آن به روشی دمکراتیک و مسالمت آمیز در مقابل «ضدانقلاب سدر» ناچار به مقاومت در همه ی تظاهرات ها یشان شدیم. شانتاز همچنان در همان هیات ادامه یافت: پذیرش شروط اپوزیسیون (بلوکه و کنار گذاشتن دادگاه ویژه برای لبنان، در اختیار گذاشتن یک سوم کرسی های دولت برای بلوکه کردن تصمیمات کابینه، و غیره) و یا تن دادن به اشغال خیابان (بلوکه کردن خیابان ها در ژانویه 2007، محاصره ی مقر دولت از ژانویه ی 2006 به قصد سقوط دولت سینیورا و عملیات نظامی تنبیهی در ماه می 2008، و همه ی این ها همراه با چاشنی خشونت روانی، تهدید و سوء قصدها). نتیجه: امتیازدهی جدید از ترس و هراس سلاح های «مقاومت»؛ سلاحی که در داخل کشور و علیه قانونیت به کار گرفته شد، و اجرا و عملی کردن پیمان ساده لوحانه ی دوحه. تا این که پیروزی جبهه ی 14 مارس در انتخابات قانون گذاری 2009، که قاعدتا می بایست نقطه ی پایانی بر توقعات نابجای اپوزیسیون می گذاشت، سر رسید؛ پیروزی ای که در مقابل تهدیدهای جدید مبنی بر به کار گرفتن سلاح علیه لبنانی ها مجبور به «رقیق» کردنش شدند، تا یک بار دیگر نشان دهند که منطق سلاح بر مشروعیت صندوق های رای می چربد. خیلی هم زیاد. و حالا کمپ ایرانی - سوری ناراضی از استقرار حاکمیت مطلق شبه نظامی خود بر سراسر کشور، به ویژه بر دستگاه قانون گزار از سال 2008، باز توسط حزب اله از خواهان امتیازدهی های جدید است، آن هم این دفعه از نوع نفی دادگاه ویژه برای لبنان و همه ی آنچه که تا کنون توسط دادگاه بین المللی صورت گرفته. معادله همچنان همان است که بود: یا باید اشتباهی این هشت پای عظیم را پاسخ داد و یا همه ی بلایا و مصائب جهان را انتظار کشید، طاعون، وبا و جنگ داخلی. آخرین تظاهر این شانتاز شبه نظامی چیزی نیست به غیر از سری حکم بازداشت های صادر شده توسط قوه ی قضائیه ی سوریه، به دنبال «تقاضای کمک» جمیل سید برای سی و چند نفر از شخصیت های [سیاسی]، که بسیاری از آنها در گروه افراد و کارکنان نخست

وزیر جا می‌گیرند، ترجمان آن یک اعلان جنگ واقعی به سعد حریری است، و آشکارا نشانگر آن چیزی که همواره جوهر اصلی و واقعی رژیم سوریه بوده.

همین است که هست. اما بالاخره یک روز باید جلوی این کلاهبرداری شیطانی که حزب اله می‌کوشد به لبنانی‌ها زورچپان کند ایستاد، به معنای این که از این به بعد حزب اله مالک حق زندگی و مرگ لبنانی‌هاست، و باید کاملاً بر خود مسلط بود و عصبانی‌اش نکرد ... اگر نه ... قیامت فرامی‌رسد ... و دلیلش هم، حزب اله است که در کمال آسودگی تکیه داده به زرادخانه ای عظیم، می‌کوشد تا این آتمسفر وحشت و تهدید را همچنان برپا نگهدارد. نوع حرکت تیپیک و ویژه ای احزاب فاشیست : می‌باید همواره شهیدنمایی کرد و ادای کسانی را درآورد که زیر فشار واقع شده‌اند، چرا که این امر موجب به دست آوردن مشروعیتی اجتناب‌ناپذیر می‌شود تا بتوان بهتر دیگران را زیر فشار گذاشت و مورد تهاجم قرار داد، و فضای دمکراتیک را همچنان محدود و محدودتر کرد. در یک چنین ساختار روحی روانی ای بهتر می‌توان درک کرد که چه کسی و به چه دلیل اتهامات مجله ای اشپیگل را سازمان داده، و چرا حزب اله چنین اصرار غریبی دارد که خود را در صندلی متهم قرار دهد. این بهترین راه برای آنهاست که زیر عنوان «دفاع مشروع» هر آنچه در توان دارند بکنند.

یا از همه خنده‌دارتر، در این کلاهبرداری بزرگ این است که هیچ کسی تا کنون حزب اله را به ترور رفیق حریری و یا نقش داشتن در هر سوء قصد دیگری متهم نکرده (به جز «منابع» مشکوک پیش گفته و یا به جز خود حزب)؛ نه دادگاه ویژه برای لبنان، که تا کنون سکوت کامل را حفظ کرده و نه لبنانی‌ها. حالا چه 14 مارس باشد، چه دلتو مهلیس، تا حالا همه ای انگشت‌های اتهام متوجه دمشق بوده. این امری است ابتدایی که حزب [اله] به دلایل ایدئولوژیک و اندیشگی واضح (مشخصاً اکراه عمیق این جریان از هرآنچه که ارتباطی با جامعه ای بین‌المللی داشته باشد، که آن هم در «نامه ای سرگشاده خطاب به مستضعفین» در سال 1984 مشهود است) از دادگاه ویژه برای لبنان که برای او معرف موجودی خارجی است، در هراس است و آن را همچون ابزاری برای نابودی خود می‌بیند. اما در عین حال اینقدری هوشمند هست تا استراتژی ای در پیش بگیرد که بی دلیل با دنیا و سازمان ملل درگیرش نکند. چرا پس منتظر نشد که اتهامی به او زده شود، تا برخی شایعات مبنی بر دست داشتن برخی افرادش در ترور را مورد بررسی قرار دهد؟ چرا به جای تهدید مستقیم جامعه ای بین‌المللی که به قول خودش سرگرم آماده سازی زمینه‌ها برای نابودی‌اش است، نفرین‌هایش را متوجه لبنانی‌ها کرده و آنها را

تهدید به مرگ می‌کند؟ با توجه به این‌که به خوبی می‌داند که لبنانی‌ها هیچ قدرتی برای تاثیرگذاری بر دادگاه بین‌المللی و روند آن ندارند، و یک فوران خشونت تنها به سرعت بخشی این امر کمک خواهد کرد ...

مشکل در رفتار و منطق کنونی حزب [اله]، که خود را هرچه بیشتر در هزارتوی جهنمی ناهماهنگی فرو می‌کند، این است که این منطق و رفتار غیرقابل پذیرش است. در لبنان بلوا و آشوب و یا جنگ داخلی‌ای رخ نمی‌دهد، مگر اینکه حزب [اله]، که انحصار نیرو [ای نظامی] را در اختیار دارد، عامل و یا کاتالیزور آن باشد. سند هم، اطلاعات ارائه شده در روزنامه‌های 8 مارس، که پیش از به راه افتادن بلوا و آشوب، سخن از آرامشی موقت در لبنان می‌گویند، آن هم تنها برای «گذراندن دیدار» محمود احمدی‌نژاد از لبنان. خوب پس حزب [اله] است که زمان برای هوای بارانی و هوای خوش و آفتابی را در لبنان بر اساس برنامه‌ی عملش تعیین می‌کند - برنامه‌ی عملی که منطقه‌ای نیست، ایرانی است. احمدی‌نژادی که می‌آید که از مرز جنوبی لبنان اعلام کند که لبنان پیام، لبنان گفتگوی تمدن‌ها، لبنان آزمایشگاه مدارا و همزیستی که میشل سلیمان، و پیش از او محمد خاتمی در همین بیروت سمبل آنند، لبنانی که در قدرت و توان خود میراث‌دار شارل مالک، نیمه‌ی دیگری همه‌ی شیرین عبادی‌های جهان و دشمن بی‌برو برگرد همه‌ی احمدی‌نژادهای کره‌ی زمین است، برای همیشه مرد. و این‌که دیدار او پیروزی نهایی را وقف لبنان سرزمین رودرویی و مقاومت تا آخرین نفر لبنانی‌ها خواهد کرد. آمین ...

... اما بالاخره روزی باید از خواب و رویا برخاست و با این ویارهای ویرانگر و دورویی‌های کاسبکارانه تسویه حساب کرد. اسطوره‌ی «قهرمانان» مستضعف، درک نشده و تحت ستم کارآیی‌اش را از دست داده، دیگر نمی‌توان هر چیزی و هرکاری را - از جمله کاربرد خشونت- توجیهی برای «دفاع از خود» کرد. زیرا که، در واقعیت امر، این دفاع بی آن که قادر به فریب کسی باشد، شبیه به تهاجمی رودرو و سیستماتیک به جمهوریت و همه‌ی ارزش‌های آن، دولت و مجموعه نهادهای آن، دمکراسی و دمکرات‌ها است. به یک کودتای مداوم، کودتایی که هوشمندانه از 8 مارس 2005 طراحی شده، و امروز مراحل نهایی خود برای دست اندازی روی کشور و سرنگون کردن سیستم و همینطور نظم و روح و جان لبنانی را می‌گذراند.

بنابراین می‌بایست که دولت - رئیس‌جمهور، کابینه، مجمع نمایندگان، دولت حاضر، پارلمان، وزرای مربوطه، ارتش و نیروهای نظم اجتماعی- بالاخره واکنشی نشان دهند، و پیش از آن که واقعا و

برای همیشه خیلی دیر شود، نقطه‌ای پایانی بر سیاستِ نه چندان افتخارآمیز و از حال رفته‌ای توافقات و امتیاز دادن‌ها بگذارند.

امید به تغییر به واقعیت نیپوست

پنجشنبه ۱۵ مهر ۱۳۸۹ - ۷ اکتبر ۲۰۱۰

Taz / Johannes Schulten

برگردان ناهید جعفرپور

در باره خانم ماریا سالتِه کامپیگوتو: وی معلم است و از 30 سال پیش نقش فعال و برجسته‌ای در جنبش بی‌زمینان برزیل داشته است.

جنبش بی‌زمینان برزیل بیلان سیاست ارضی لولا را منفی ارزیابی می‌کند.

پرسش: جنبش بی‌زمینان برزیل "ام اس ت" مهمترین رکن دولت لولا به حساب می‌آید. موضوع اصلی اصلاحات ارضی است. به نظر شما در هشت سال گذشته در این باره چه پیشرفت‌هایی شده است؟

پاسخ: تغییر ساختاری که ما در زمان انتخاب لولا امیدوار بودیم، انجام نپذیرفت. در حقیقت اوضاع حتی بدتر هم شد و در زمان لولا تمرکز روی زمین رشد نمود. به این معنی که مثلاً امروز یک درصد برزیلی‌ها در حدود 46 درصد زمین‌های زراعی را در اختیار دارند.

پرسش: اما دولت ادعا دارد که سلب مالکیت‌ها رشد نموده‌اند.

پاسخ: به واقع هم در زمان لولا سلب مالکیت بیشتر از دولت‌های قبلی‌اش صورت گرفته است و این مسئله خود نتیجه عکس‌العمل به آکسیون‌های "ام اس ت" بود. در ابتدا زمانی که ما زمین‌هایی را اشغال نمودیم دولت به حرکت درآمد و آن زمین‌ها را از صاحبانش خریداری کرد. مشکل اینجاست که با این پول آنها زمین‌های دیگری خریدند. به این ترتیب تغییر بسیار مشکل خواهد بود. تصمیم مجدد برای سلب

مالکیت ها (خرید زمین ها از زمین داران توسط دولت) که مدت ها قبل اعلام شده بود هنوز مسکوت مانده است.

پرسش: موضوع بر سر چیست؟

پاسخ: دولت بر روی کاغذ با ما قرار گذاشت که شرایط سلب مالکیت ها را از نو تصمیم گیری کند. موضوع بر سر این بود که زمین های زراعی که نیاز های اجتماعی را برآورده نمیکنند از آن ها سلب مالکیت شود. قواعد طرح ریزی شده موضوع سلب مالکیت ها را شدت و حدت میداد. مسئله که می توانست وضعیت ما را بهبود بخشد. زیرا که " ام اس ت " در قاعده زمانی زمینی را اشغال می کند که روی شانس های حقیقی برای سلب مالکیت دولتی حساب کند.

پیشنهاد های قانونی در سنا با مقاومت اپوزیسیون و احزاب درون دولت با شکست مواجه شد. چند روز بعد زمانی که این پیشنهاد ها برای آغاز سال از سوی دولت مطرح گردید فراکسیون ها یک کمیسیون بررسی پارلمانی بر علیه " ام اس ت " بخاطر اختلاس در سرمایه دولت فراخواندند. بدین طریق این قانون در ابتدایش مرد.

پرسش: با این وجود " ام اس ت " فراخوان انتخاب دولت را داد.....

پاسخ: ما این فراخوان را به آن علت می دهیم که جوزه سرا کاندید حزب سوسیال دمکراسی برزیل انتخاب نشود. زیرا که این مسئله برگشت به نئولیبرالیسم خالص سال های 90 است. جوزه سرا منافع بورژوازی شهری و روستائی را نمایندگی می کند. وی اصلاحات ارضی را رد نموده و از دولت استفاده می کند تا به مقاصدش برسد. همچنین وی مخالف فیدل کاسترو و چاوز و مرسالس و حتی بیشوف فرناندو لوگو در پاراگوئه است. با انتخاب دیلما رایوسف حداقل فضای مبارزات برای تغییرات اجتماعی حفظ می گردد.

پرسش: مثل سیاست اجتماعی؟

پاسخ: موفقیت های سیاسی اجتماعی به واقع قابل توجه می باشند. اما برای اینکه با گرسنگی مبارزه نمود اصلا کافی نیست که به تهیدستان پول داد. حتی اگر که قبلا چنین چیزی هرگز وجود نداشت. مردم باید خودشان امرار معاش کنند و برای این مسئله احتیاج به کار دارند.

پرسش: اما بیکاری به شدت پائین آمده است

پاسخ: بله از این موضوع هم طبقه متوسط بیشتر از همه نفع برده

است. به این صورت امروز برای آدمهائی با تحصیلات دانشگاهی دسترسی به کاری پر درآمد راحت تر از سال های گذشته شده است. اما میلیون ها برزیلی همواره از محیط کار خارج می باشند.

میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی

میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی
مصوب 16 دسامبر 1966 میلادی (مطابق با 25/9/1345 شمسی) مجمع عمومی سازمان ملل متحد (3)

مقدمه

کشورهای طرف این میثاق با توجه به اینکه بر طبق اصولی که در منشور ملل متحد اعلام گردیده است شناسایی حیثیت ذاتی و حقوق یکسان و غیرقابل انتقال کلیه اعضاء خانواده بشر مبنای آزادی - عدالت و صلح در جهان است.

با اذعان به این که حقوق مذکور ناشی از حیثیت ذاتی شخص انسان است.

با اذعان به این که بر طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر کمال مطلوب انسان آزاد رهائی یافته از ترس و فقر فقط در صورتی حاصل میشود که شرایط تمتع هر کس از حقوق مدنی و سیاسی خود و همچنین از حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی او ایجاد شود.

با توجه به این که دولتها بر طبق منشور ملل متحد به ترویج احترام جهانی و مؤثر و رعایت حقوق و آزادیهای بشر ملزم هستند.

با در نظر گرفتن این حقیقت که هر فرد نسبت به افراد دیگر و نیز نسبت به اجتماعی که بدان تعلق دارد عهده دار وظایفی است و مکلف است به این که در ترویج و رعایت حقوق شناخته شده به موجب این میثاق اهتمام نماید.

با مواد زیر موافقت دارند:

***** ** *****

بخش يك

ماده 1

1. کلیه ملل دارای حق خودمختاری هستند. به موجب حق مزبور ملل وضع سیاسی خود را آزادانه تعیین و توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی خود را آزادانه تأمین می‌کنند.

2. کلیه ملل می‌توانند برای نیل به هدفهای خود در منابع و ثروت‌های طبیعی خود بدون اخلاص با الزامات ناشی از همکاری اقتصادی بین‌المللی مبتنی بر منافع مشترک و حقوق بین‌الملل آزادانه هر گونه تصرفی بنمایند - در هیچ مورد نمی‌توان ملتی را از وسایل معاش خود محروم کرد.

3. دولتهای طرف این میثاق از جمله دولتهای مسئول اداره سرزمینهای غیرخودمختار و تحت قیمومت مکلفند تحقق حق خودمختاری ملل را تسهیل و احترام این حق را طبق مقررات منشور ملل متحد رعایت کنند.

***** ** *****

بخش دوم

ماده 2

1. دولتهای طرف این میثاق متعهد میشوند که حقوق شناخته شده در این میثاق را درباره کلیه افراد مقیم در قلمرو تابع حاکمیتشان بدون هیچگونه تمایزی از قبیل نژاد- رنگ - جنس - زبان - مذهب - عقیده سیاسی یا عقیده دیگر - اصل و منشأ ملی یا اجتماعی - ثروت - نسب یا سایر وضعیتها محترم شمرده و تضمین بکنند.

2. هر دولت طرف این میثاق متعهد میشود که بر طبق اصول قانون اساسی خود و مقررات این میثاق اقداماتی در زمینه اتخاذ تدابیر قانونگذاری و غیرآن به منظور تنفیذ حقوق شناخته شده در این میثاق که قبلاً به موجب قوانین موجود یا تدابیر دیگر لازم‌الاجراء نشده است بعمل آورد.

3. هر دولت طرف این میثاق متعهد میشود که:

الف - تضمین کند که برای هر شخصی که حقوق و آزادیهای شناخته شده در این میثاق درباره او نقض شده باشد وسیله مطمئن احقاق حق فراهم بشود هر چند که نقض حقوق به وسیله اشخاصی ارتکاب شده باشد که در اجرای مشاغل رسمی خود عمل کرده باشند.

ب. تضمین کند که مقامات صالح قضائی - اداری یا مقننه یا هر مقام دیگری که به موجب مقررات قانونی آن کشور صلاحیت دارد درباره شخص دادخواست دهنده احقاق حق بکنند و همچنین امکانات تظلم به مقامات قضائی را توسعه بدهند.

ج. تضمین کند که مقامات صالح «نسبت به تظلماتی که حقانیت آن محرز بشود ترتیب اثر صحیح بدهند.» (4)

ماده 3

دولتهای طرف این میثاق متعهد میشوند که تساوی حقوق زنان و مردان

را در استفاده از حقوق مدني و سياسي پيش‌بيني شده در اين ميثاق تأمين کنند.

ماده 4

هر گاه يك خطر عمومي استثنائي (فوق‌العاده) موجوديت ملت را تهديد کند و اين خطر رسماً اعلام بشود کشورهاي طرف اين ميثاق مي‌توانند تدابيري خارج از الزامات مقرر در اين ميثاق به ميزاني که وضعيت حتماً ايجاب مي‌نمايد اتخاذ نمايند مشروط بر اين که تدابير مزبور با ساير الزاماتي که بر طبق حقوق بين‌الملل بعهدہ دارند مغايرت نداشته باشد و منجر به تبعيضي منحصرآ براساس نژاد - رنگ - جنس - زبان - اصل و منشأ مذهبي يا اجتماعي نشود.

2. حکم مذکور در بند فوق هيچ‌گونه انحراف از مواد 6 - 7 (بندهاي اول و دوم) ماده 8 - 11 - 15 - 16 - 18 را تجويز نمي‌کند.

3. دولتهاي طرف اين ميثاق که از حق انحراف استفاده کنند مکلفند بلافاصله ساير دولتهاي طرف ميثاق را توسط دبیرکل ملل متحد از مقرراتي که از آن انحراف ورزيده و جهاتي که موجب انحراف شده است مطلع نمايند و در تاريخي که به اين انحرافها خاتمه مي‌دهند مراتب را به وسيله اعلاميه جديدي از همان مجري اطلاع دهند.

ماده 5

1. هيچ يك از مقررات اين ميثاق نبايد به نحوي تفسير شود که متضمن ايجاد حقي براي دولتي يا گروهی يا فردي گردد که به استناد آن به منظور تضييع هر يك از حقوق و آزاديهاي شناخته شده در اين ميثاق و يا محدود نمودن آن بيش از آنچه در اين ميثاق پيش‌بيني شده است مبادرت به فعاليتي بکند و يا اقدامي بعمل آورد.

2. هيچ گونه محدوديت يا انحراف از هر يك از حقوق اساسي بشر که به موجب قوانين - کنوانسيونها (5) يا آئين‌نامه‌ها يا عرف و عادات نزد هر دولت طرف اين ميثاق به رسميت شناخته شده نافذ و جاري است به عذر اين که اين ميثاق چنين حقيقي را به رسميت نشناخته يا اين که به ميزان کمتری به رسميت شناخته است قابل قبول نخواهد بود.

***** ** *****

بخش سوم

ماده 6

1. حق زندگي از حقوق ذاتي شخص انسان است. اين حق بايد به موجب قانون حمايت بشود. هيچ فردي را نمي‌توان خودسرانه (بدون مجوز) از زندگي محروم کرد.

2. در کشورهايي که مجازات اعدام لغو نشده صدور حکم اعدام جازي نيست مگر در مورد مهمترين جنايات طبق قانون لازم‌الاجرا در زمان ارتكاب جنايت که آنهم نبايد با مقررات اين ميثاق و کنوانسيونها

(6) راجع به جلوگیری و مجازات جرم کشتار دسته جمعی (ژنوسید) منافات داشته باشد. اجرای این مجازات جایز نیست مگر به موجب حکم قطعی صادر از دادگاه صالح.

3. در مواقعی که سلب حیات تشکیل دهنده جرم کشتار دسته جمعی باشد چنین معهود است که هیچ یک از مقررات این ماده دولتهای طرف این میثاق را مجاز نمیدارد که به هیچ نحو از هیچ یک از الزاماتی که به موجب مقررات کنوانسیون جلوگیری و مجازات جرم کشتار دسته جمعی (ژنوسید) تقبل شده انحراف ورزند.

4. هر محکوم به اعدامی حق خواهد داشت که در خواست عفو یا تخفیف مجازات بنماید عفو عمومی یا عفو فردی یا تخفیف مجازات اعدام در تمام موارد ممکن است اعطا شود.

5. حکم اعدام در مورد جرائم ارتكابي اشخاص کمتر از هیجده سال صادر نمیشود و در مورد زنان باردار قابل اجرا نیست.

6. هیچ یک از مقررات این ماده برای تأخیر یا منع الغاء مجازات اعدام از طرف دولتهای طرف این میثاق قابل استناد نیست.

ماده 7

هیچ کس را نمیتوان مورد آزار و شکنجه یا مجازاتها یا رفتاریهای ظالمانه یا خلاف انسانی یا ترذیلی قرار داد. مخصوصاً قرار دادن یک شخص تحت آزمایشهای پزشکی یا علمی بدون رضایت آزادانه او ممنوع است.

ماده 8

1. هیچ کس را نمیتوان در بردهگی نگاه داشت. بردهگی و خرید و فروش برده بهر نحوی از انحاء ممنوع است.

2. هیچ کس را نمیتوان در بندگی (غلامی) نگاه داشت.

3. الف - هیچ کس به انجام اعمال شاقه یا کار اجباری وادار نخواهد شد.

ب - شق الف بند 3 را نمیتوان چنین تفسیر کرد که در کشورهایی که بعضی از جنایات قابل مجازات با اعمال شاقه است مانع اجرای اعمال شاقه مورد حکم صادره از دادگاه صالح بشود.

ج - "اعمال شاقه یا کار اجباری" مذکور در این بند شامل امور زیر نیست:

اول - هر گونه کار یا خدمات ذکر نشده در شق "ب" که متعارفاً به کسی که به موجب یک تصمیم قضایی قانونی زندانی است یا به کسی که موضوع چنین تصمیمی بوده و در حال آزادی مشروط باشد تکلیف می‌گردد.

دوم - هر گونه خدمت نظامی و در کشورهایی که امتناع از خدمت وظیفه به سبب محظورات وجدانی به رسمیت شناخته شده است هر گونه خدمت ملی که به موجب قانون بامتناع کنندگان وجدانی تکلیف میشود.

سوم - هر گونه خدمتي که در موارد قوه قهریه (فرس ماژور) یا بلیاتي که حیات یا رفاه جامعه را تهدید میکند تکلیف بشود. چهارم - هر کار یا خدمتي که جزئی از الزامات مدني (اجتماعي) متعارف باشد.

ماده 9

1. هر کس حق آزادي و امنیت شخصي دارد. هیچ کس را نمیتوان خودسرانه (بدون مجوز) دستگیر یا بازداشت (زنداني) کرد. از هیچ کس نمیتوان سلب آزادي کرد مگر به جهات و طبق آئین دادرسي مقرر به حکم قانون.

2. هر کس دستگیر میشود باید در موقع دستگیر شدن از جهات (علل) آن مطلع شود و در اسرع وقت اختاریه‌ای دایر بهر گونه اتهامیکه به او نسبت داده میشود دریافت دارد.

3. هر کس به اتهام جرمي دستگیر یا بازداشت (زنداني) میشود باید او را در اسرع وقت در محضر دادرس یا هر مقام دیگری که به موجب قانون مجاز به اعمال اختیارات قضایی باشد حاضر نمود و باید در مدت معقولي دادرسي یا آزاد شود. بازداشت (زنداني نمودن) اشخاصی که در انتظار دادرسي هستند نباید قانونی کلی باشد لیکن آزادي موقت ممکن است موکول باخذ تضمینهایی بشود که حضور متهم را در جلسه دادرسي و سایر مراحل رسیدگی قضایی و حسب مورد برای اجرای حکم تأمین نماید.

4. هر کس که بر اثر دستگیر یا بازداشت (زنداني) شدن از آزادي محروم میشود حق دارد که به دادگاه تظلم نماید به این منظور که دادگاه بدون تأخیر راجع به قانونی بودن بازداشت اظهار رأی بکند و در صورت غیرقانونی بودن بازداشت حکم آزادي او را صادر کند. 5. هر کس که بطور غیرقانونی دستگیر یا بازداشت (زنداني) باشد حق جبران خسارت خواهد داشت.

ماده 10

درباره کلیه افراد که از آزادي خود محروم شده‌اند باید با انسانیت و احترام به حیثیت ذاتی شخص انسان رفتار کرد.

2. الف - متهمین جز در موارد استثنایی از محکومین جدا نگاهداری خواهند شد و تابع نظام جداگانه‌ای متناسب با وضع اشخاص غیرمحکوم خواهند بود.

ب - صغار متهم باید از بزرگسالان جدا بوده و باید در اسرع اوقات ممکن در مورد آنان اتخاذ تصمیم بشود.

3. نظام زندانها متضمن رفتاری با محکومین خواهد بود که هدف اساسی آن اصلاح و اعاده حیثیت اجتماعی زندانیان باشد.

صغار بزهکار باید از بزرگسالان جدا بوده و تابع نظامی متناسب با

سن و وضع قانونیشان باشند.

ماده 11

هیچ کس را نمیتوان تنها به این علت که قادر به اجرای يك تعهد قراردادي خود نیست زندانی کرد.

ماده 12

1. هر کس قانوناً در سرزمین دولتی مقیم باشد حق عبور و مرور آزادانه و انتخاب آزادانه مسکن خود را در آنجا خواهد داشت.
2. هر کس آزاد است هر کشوری و از جمله کشور خود را ترک کند.
3. حقوق مذکور فوق تابع هیچ گونه محدودیتی نخواهد بود مگر - نظم عمومی - سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادیهای دیگران لازم بوده و با سایر حقوق شناخته شده در این میثاق سازگار باشد.
4. هیچ کس را نمیتوان خودسرانه (بدون مجوز) از حق ورود به کشور خود محروم کرد.

ماده 13

بیگانه‌ای که قانوناً در قلمرو يك دولت طرف این میثاق باشد فقط در اجرای تصمیمی که مطابق قانون اتخاذ شده باشد ممکن است از آن کشور اخراج بشود و جز در مواردی که جهات حتمی امنیت ملی طور دیگر اقتضا نماید باید امکان داشته باشد که علیه اخراج خود موجها اعتراض کند و اعتراض او در مقام صالح یا نزد شخص یا اشخاص منصوب بخصوص از طرف مقام صالح با حضور نماینده‌ای که به این منظور تعیین میکند رسیدگی شود.

ماده 14

1. همه در مقابل دادگاهها و دیوانهای دادگستری متساوی هستند. هر کس حق دارد به این که به دادخواهی او منصفانه و علنی در يك دادگاه صالح مستقل و بیطرف تشکیل شده طبق قانون رسیدگی بشود و آن دادگاه درباره حقانیت اتهامات جزائی علیه او یا اختلافات راجع به حقوق و الزمات او در مورد مدنی اتخاذ تصمیم بنماید.
- تصمیم به سری بودن جلسات در تمام یا قسمتی از دادرسی خواه به جهات اخلاق حسنه یا نظم عمومی یا امنیت ملی در يك جامعه دموکراتیک و خواه در صورتی که مصلحت زندگی خصوصی اصحاب دعوی اقتضاء کند و خواه در مواردی که از لحاظ کیفیات خاص علنی بودن جلسات مضر به مصالح دادگستری باشد تا حدی که دادگاه لازم بداند امکان دارد، لیکن حکم صادر در امور کیفری یا مدنی علنی خواهد بود مگر آنکه مصلحت صغار طور دیگری اقتضاء نماید یا دادرسی مربوط به اختلافات زناشویی یا ولایت اطفال باشد.
2. هر کس به ارتکاب جرمی متهم شده باشد حق دارد بی‌گناه فرض شود

تا این که مقصر بودن او بر طبق قانون محرز بشود.
3. هر کس متهم به ارتکاب جرمی بشود با تساوی کامل لااقل حق تضمینهای ذیل را خواهد داشت:

الف - در اسرع وقت و به تفصیل به زبانی که او بفهمد از نوع و علل اتهامی که به او نسبت داده میشود مطلع شود.

ب - وقت و تسهیلات کافی برای تهیه دفاع خود و ارتباط با وکیل منتخب خود داشته باشد.

ج - بدون تأخیر غیرموجه درباره او قضاوت بشود.

د - در محاکمه حاضر بشود و شخصاً یا به وسیله وکیل منتخب خود از خود دفاع کند و در صورتی که وکیل نداشته باشد حق داشتن وکیل به او اطلاع داده شود و در مواردی که مصالح دادگستری اقتضاء نماید از طرف دادگاه رأساً برای او وکیل تعیین بشود که در صورت عجز او از پرداخت حق‌الوکاله هزینه‌ای نخواهد داشت.

ه - از شهودی که علیه او شهادت می‌دهند سئوالات بکند یا بخواهد که از آنها سئوالاتی بشود و شهودی که له او شهادت می‌دهند با همان شرایط شهود علیه او احضار و از آنها سئوالات بشود.

و - اگر زبانی را که در دادگاه تکلم میشود نمی‌فهمد و یا نمیتواند به آن تکلم کند يك مترجم مجاناً به او كمك كند.

ز - مجبور نشود که علیه خود شهادت دهد و یا به مجرم بودن اعتراف نماید.

4. آئین دادرسی جوانانی که از لحاظ قانون جزا هنوز بالغ نیستند باید به نحوی باشد که رعایت سن و مصلحت اعاده حیثیت آنان را بنماید.

5. هرکس مرتکب جرمی اعلام بشود حق دارد که اعلام مجرمیت و محکومیت او به وسیله يك دادگاه عالیتری طبق قانون مورد رسیدگی واقع بشود.

6. هرگاه حکم قطعی محکومیت جزائی کسی بعداً فسخ بشود یا يك امر حادث یا امری که جدیداً کشف شده دال بر وقوع يك اشتباه قضایی باشد و بالنتیجه مورد عفو قرار گیرد شخصی که در نتیجه این محکومیت متحمل مجازات شده استحقاق خواهد داشت که خسارت او طبق قانون جبران بشود مگر این که ثابت شود که عدم افشاء به موقع حقیقت مکتوم کلا یا جزاً منتسب به خود او بوده است.

7. هیچ کس را نمیتوان برای جرمی که به علت اتهام آن به موجب حکم قطعی صادر طبق قانون آئین دادرسی کیفری هر کشوری محکوم یا تبرئه شده است مجدداً مورد تعقیب و مجازات قرار داد.

ماده 15

1. هیچ کس به علت فعل یا ترك فعلی که در موقع ارتکاب بر طبق قوانین ملی یا بین‌المللی جرم نبوده محکوم نمیشود و همچنین هیچ

مجازات‌های شدیدتر از آنچه در زمان ارتکاب جرم قابل اعمال بوده تعیین نخواهد شد هرگاه پس از ارتکاب جرم قانون مجازات خفیف‌تری برای آن مقرر دارد مرتکب از آن استفاده خواهد نمود.

2. هیچ یک از مقررات این ماده با دادرسی و محکوم کردن هر شخصی که به علت فعل یا ترک فعلی که در زمان ارتکاب بر طبق اصول کلی حقوق شناخته شده در جامعه ملتها مجرم بوده منافات نخواهد داشت.

ماده 16

هر کس حق دارد به این که شخصیت حقوقی او همه جا شناخته شود.

ماده 17

1. هیچ کس نباید در زندگی خصوصی و خانواده و اقامتگاه یا مکاتبات مورد مداخلات خودسرانه (بدون مجوز) یا خلاف قانون قرار گیرد و همچنین شرافت و حیثیت او نباید مورد تعرض غیرقانونی واقع شود.

2. هر کس حق دارد در مقابل این گونه مداخلات یا تعرضها از حمایت قانون برخوردار گردد.

ماده 18

1. هر کس حق آزادی فکر و وجدان و مذهب دارد. این حق شامل آزادی - داشتن یا قبول یک مذهب یا معتقدات به انتخاب خود، همچنین آزادی ابراز مذهب یا معتقدات خود، خواه بطور فردی یا جماعت خواه بطور علنی یا در خفا در عبادات و اجرای آداب و اعمال و تعلیمات مذهبی می‌باشد.

2. هیچ کس نباید مورد اکراهی واقع شود که به آزادی او در داشتن یا قبول یک مذهب یا معتقدات به انتخاب خودش لطمه وارد آورد.

3. آزادی ابراز مذهب یا معتقدات را نمی‌توان تابع محدودیتهایی نمود مگر آنچه منحصراً به موجب قانون پیش‌بینی شده و برای حمایت از امنیت، نظم، سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادیهای اساسی دیگران ضرورت داشته باشد.

4. دولتهای طرف این میثاق متعهد میشوند که آزادی والدین و برحسب مورد سرپرستان قانونی کودکان را در تأمین آموزش مذهبی و اخلاقی کودکان مطابق معتقدات خودشان محترم بشمارند.

ماده 19

1. هیچ کس را نمی‌توان به مناسبت عقایدش مورد مزاحمت و اخافه قرار داد.

2. هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به سرحدات خواه شفاهی یا به صورت نوشته یا چاپ یا به صورت هنری یا بهر وسیله دیگر با انتخاب خود می‌باشد.

3. اعمال حقوق مذکور در بند 2 این ماده مستلزم حقوق و مسئولیت

هاي خاص است و لذا ممكن است تابع محدوديتهاي معيني بشود كه در قانون تصريح شده و براي امور ذيل ضرورت داشته باشد:

الف - احترام حقوق با حيثيت ديگران.

ب - حفظ امنيت ملي يا نظم عمومي يا سلامت يا اخلاق عمومي.

ماده 20

1. هر گونه تبليغ براي جنگ به موجب قانون ممنوع است.

2. هر گونه دعوت (ترغيب) به كينه (تنفر) ملي يا نژادي يا مذهبي كه محرك تبعيض يا مخاصمه يا اعمال زور باشد به موجب قانون ممنوع است.

ماده 21

حق تشكيل مجامع مسالمت آميز به رسميت شناخته ميشود اعمال اين حق تابع هيچ گونه محدوديتي نمي تواند باشد جز آنچه بر طبق قانون مقرر شده و در يك جامعه دمكراتيكي به مصلحت امنيت ملي يا ايمني عمومي يا نظم عمومي يا براي حمايت از سلامت يا اخلاق عمومي يا حقوق و آزاديهاي ديگران ضرورت داشته باشد.

ماده 22

1. هر كس حق اجتماع آزادانه با ديگران را دارد از جمله حق تشكيل سندیکا (اتحاديه هاي صنفی) و الحاق به آن براي حمايت از منافع خود.

2. اعمال اين حق تابع هيچ گونه محدوديتي نمي تواند باشد مگر آنچه كه به موجب قانون مقرر گرديده و در يك جامعه دموكراتيكي به مصلحت امنيتي ملي يا ايمني عمومي - نظم عمومي يا براي حمايت از سلامت يا اخلاق عمومي يا حقوق و آزاديهاي ديگران ضرورت داشته باشد. اين ماده مانع از آن نخواهد شد كه اعضاي نيروهاي مسلح و پليس در اعمال اين حق تابع محدوديتهاي قانوني بشوند.

3. هيچ يك از مقررات اين ماده دولتهاي طرف كنوانسيون مورخ 1948 سازمان بين المللي كار مربوط به آزادي سنديكايي و حمايت از حق سنديكايي (حق متشكل شدن) را مجاز نمي دارد كه با اتخاذ تدابير قانونگذاري يا با نحوه اجراي قوانين به تضمينهاي مقرر در آن كنوانسيون لطمه وارد آورند.

ماده 23

1. خانواده عنصر (7) طبيعي و اساسي جامعه است و استحقاق حمايت جامعه و حكومت را دارد.

2. حق نكاح و تشكيل خانواده براي زنان و مردان از زماني كه به سن ازدواج ميرسند به رسميت شناخته ميشود.

3. هيچ نكاحي بدون رضايت آزادانه و كامل طرفين آن منعقد نميشود.

4. دولتهاي طرف اين ميثاق تدابير مقتضي به منظور تساوي حقوق و

مسئولیت‌های زوجین در مورد ازدواج در مدت زوجیت و هنگام انحلال آن اتخاذ خواهند کرد. در صورت انحلال ازدواج پیش‌بینی‌هایی برای تأمین حمایت لازم از اطفال به عمل خواهند آورد.

ماده 24

1. هر کودکی بدون هیچ گونه تبعیض از حیث نژاد - رنگ - جنس - زبان - مذهب - اصل و منشأ ملی یا اجتماعی - مکتب یا نسب - دارد از تدابیر حمایتی که به اقتضای وضع صغیر بودنش از طرف خانواده او و جامعه و حکومت کشور او باید به عمل آید برخوردار گردد.

2. هر کودکی باید بلافاصله پس از ولادت به ثبت برسد و دارای نامی بشود.

3. هر کودکی حق تحصیل تابعیتی را دارد.

ماده 25

هر انسان عضو اجتماع (8) حق و امکان خواهد داشت بدون (در نظر گرفتن) هیچ یک از تبعیضات مذکور در ماده 2 و بدون محدودیت غیرمعقول:

الف - در اداره امور عمومی بالمباشره یا بواسطه نمایندگانی که آزاد انتخاب شوند شرکت نماید.

ب - در انتخابات ادواری که از روی صحت به آراء عمومی مساوی و مخفی انجام شود و تضمین کننده بیان آزادانه اراده انتخاب کنندگان باشد رأی بدهد و انتخاب بشود.

ج - با حق تساوی طبق شرایط کلی بتواند به مشاغل عمومی کشور خود نائل شود.

ماده 26

1. کلیه اشخاص در مقابل قانون متساوی هستند و بدون هیچ‌گونه تبعیض استحقاق حمایت بالسویه قانون را دارند.

از این لحاظ قانون باید هر گونه تبعیضی را منع و برای کلیه اشخاص حمایت مؤثر و متساوی علیه هر نوع تبعیض خصوصاً از حیث نژاد - رنگ - جنس - زبان - مذهب عقاید سیاسی و عقاید دیگر - اصل و منشأ ملی یا اجتماعی - مکتب - نسب - یا هر وضعیت دیگر تضمین بکند.

ماده 27

در کشورهایی که اقلیت‌های نژادی، مذهبی یا زبانی وجود دارند، اشخاص متعلق به اقلیت‌های مزبور را نمی‌توان از این حق محروم نمود که مجتمعاً با سایر افراد گروه خودشان از فرهنگ خاص خود متمتع شوند و به دین خود متدین بوده و بر طبق آن عمل کنند یا به زبان خود تکلم نمایند.

ماده 28

1. يك کمیته حقوق بشر (که از این پس در این میثاق کمیته نامیده

خواهد شد) تأسیس میشود. این کمیته مرکب از هیجده عضو است و متصدی خدمات بشرح ذیل میباشد:

الف - کمیته مرکب خواهد بود از اتباع کشورهای طرف این میثاق که باید از شخصیت‌های دارای مکارم عالی اخلاقی بوده و صلاحیتشان در زمینه حقوق بشر محرز (شناخته شده) باشد. مفید بودن شرکت بعضی اشخاص واجد تجربه در امور قضائی در کارهای این کمیته مورد توجه واقع خواهد شد.

ب - اعضای کمیته انتخابی هستند و برحسب صلاحیت شخصی خودشان (9) خدمت خواهند نمود.

ماده 29

1. اعضای کمیته با رأی مخفی از فهرست اشخاص واجد شرایط مذکور در ماده 28 که به این منظور به وسیله کشورهای طرف این میثاق نامزد شده‌اند انتخاب میشوند.

2. هر کشور طرف این میثاق نمیتواند بیش از دو نفر نامزد کند.

3. تجدید نامزدی يك شخص مجاز است.

ماده 30

1. اولین انتخابات دیرتر از شش ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این میثاق انجام نخواهد شد.

2. برای انتخابات کمیته هر بار حداقل چهار ماه پیش از تاریخ انجام آن - به استثنای انتخاباتی که برای اشغال محل خالی طبق ماده 34 بعمل می‌آید - دبیرکل سازمان ملل متحد از کشورهای طرف این میثاق کتبا دعوت خواهد نمود که نامزدهای خود را برای عضویت کمیته طرف سه ماه معرفی کنند.

3. دبیرکل سازمان ملل متحد فهرستی به ترتیب حروف الفباء از کلیه اشخاصی که به این ترتیب نامزد میشوند با ذکر نام کشورهای آنها را معرفی کرده‌اند تهیه و آنرا حداکثر يك ماه قبل از تاریخ انتخابات به کشورهای طرف این میثاق ارسال خواهد داشت.

4. انتخاب اعضای کمیته در جلسهای که به دعوت دبیرکل سازمان ملل متحد از کشورهای طرف این میثاق در مرکز سازمان ملل متحد تشکیل خواهد شد انجام میشود. نصاب این جلسه دو سوم کشورهای طرف این میثاق است و منتخبین نامزدهائی خواهند بود که بیشترین تعداد رأی را به دست آورده و حائز اکثریت تام آراء نمایندگان کشورهای حاضر و رأی دهنده باشند.

ماده 31

1. کمیته نمیتواند بیش از يك تبعه از هر کشوری عضو داشته باشد.

2. در انتخاب اعضای کمیته رعایت تقسیمات عادلانه جغرافیایی و شرکت نمایندگان اشکال مختلف تمدنها و سیستم (نظام)های عمده حقوقی

خواهد شد.

ماده 32

1. اعضای کمیته برای مدت 4 سال انتخاب میشوند و در صورتی که مجدداً نامزد شوند تجدید انتخاب آنان مجاز خواهد بود لیکن مدت عضویت 9 تن از اعضاء منتخب در اولین انتخابات در پایان دو سال مقتضی میشود نام این 9 تن بلافاصله پس از اولین انتخابات به وسیله قرعه توسط رئیس جلسه مذکور در بند 4 ماده 30 معین میشود.

2. در انقضای دوره تصدی انتخابات طبق مواد قبلی این بخش میثاق بعمل خواهد آمد.

ماده 33

1. هرگاه يك عضو کمیته، به نظر مورد اتفاق آراء سایر اعضاء کمیته انجام خدمات خود را به هر علتی جز غیبت موقت قطع نموده باشد رئیس کمیته، دبیرکل سازمان ملل متحد را مطلع و او کرسی عضو مزبور را بلامتصدی اعلام میکند.

2. در صورت فوت یا استعفای يك عضو کمیته، رئیس کمیته فوراً دبیرکل سازمان ملل متحد را مطلع و او آن کرسی را از تاریخ فوت یا تاریخی که به استعفاء ترتیب اثر داده میشود بلامتصدی اعلام میکند.

ماده 34

1. هرگاه بلامتصدی بودن يك کرسی بر طبق ماده 33 اعلام شود و دوره تصدی عضوی که جانشینش باید انتخاب گردد طرف ششماه از تاریخ اعلام بلامتصدی بودن منقضی نشود، دبیرکل سازمان ملل متحد به هر يك از کشورهای طرف این میثاق اعلام خواهند نمود که میتوانند طرف مدت دو ماه نامزدهای خود را بر طبق ماده 29 اشغال کرسی بلامتصدی معرفی کنند.

2. دبیرکل سازمان ملل متحد فهرستی به ترتیب حروف الفباء از کلیه اشخاصی که به این ترتیب نامزد میشوند با ذکر نام کشورهایی که آنان را معرفی کرده اند تهیه و آنرا حداکثر يك ماه قبل از تاریخ انتخابات به کشورهای طرف این میثاق ارسال خواهد داشت.

4. انتخاب اعضای کمیته در جلسهای که به دعوت دبیرکل سازمان ملل متحد از کشورهای طرف این میثاق در مرکز سازمان ملل متحد تشکیل خواهد شد انجام میشود. نصاب این جلسه دو سوم کشورهای طرف این میثاق است و منتخبین نامزدهایی خواهند بود که بیشترین تعداد رأی را به دست آورده و حائز اکثریت تام آراء نمایندگان کشورهای حاضر و رأی دهنده باشند.

ماده 35

اعضای کمیته با تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد طبق شرایطی که مجمع عمومی با توجه به اهمیت خدمات کمیته تعیین نماید از منابع

سازمان ملل متحد مقرري دريافت خواهند داشت.

ماده 36

دبيركل سازمان ملل متحد كارمندان و وسائل مادي مورد احتياج براي اجراي مؤثر وظيفي كه كميته به موجب اين ميثاق به عهده دارد در اختيار كميته خواهد گذاشت.

ماده 37

1. دبيركل سازمان ملل متحد اعضاي كميته را براي تشكيل نخستين جلسه در مركز سازمان ملل متحد دعوت مي‌كند.

2. پس از نخستين جلسه كميته در اوقاتي كه در آئين نامه داخلي آن پيش‌بيني ميشود تشكيل جلسه خواهد داد.

3. كميته معمولاً در مركز سازمان ملل متحد يا در دفتر سازمان ملل متحد در ژنو تشكيل جلسه خواهد داد.

ماده 38

هر عضو كميته بايد پيش از تصدي وظيف خود در جلسه علني طي تشريفات رسمي تعهد كند كه وظيف خود را با كمال بيطرفي و از روي كمال وجدان ايفاء خواهد كرد.

ماده 39

1. كميته هيأت رئيسه خود را براي مدت دو سال انتخاب خواهد كرد. اعضاي هيأت رئيسه قابل انتخاب مجدد هستند.

2. كميته آئين نامه داخليش را خود تنظيم مي‌كند. آئين نامه مزبور از جمله مشتمل بر مقررات ذيل خواهد بود:

الف - حد نصاب رسميت جلسات حضور دوازده عضو است.

ب - تصميمات كميته با اكثريت آراء اعضاء حاضر اتخاذ مي‌گردد.

ماده 40

1. كشورهاي طرف اين ميثاق متعهد ميشوند درباره تدابييري كه اتخاذ کرده‌اند و آن تدابير به حقوق شناخته شده در اين ميثاق ترتيب اثر مي‌دهد و درباره پيشرفتهاي حاصل در تمتع از اين حقوق گزارشهايي تقديم بدارند.

الف - طرف يكسال از تاريخ لازم‌الاجراء شدن اين ميثاق براي هر كشور طرف ميثاق در امور مربوط به آن كشور.

ب - پس از آن هر موقع كه كميته چنين درخواستي بنمايد.

2. كلييه گزارشها بايد خطاب به دبيركل سازمان ملل متحد باشد و او آنها را براي رسيدگي به كميته ارجاع خواهد كرد. گزارشها بايد حسب‌المورد حاكي از عوامل و مشكلاتي باشد كه در اجراي مقررات اين ميثاق تأثير دارند.

3. دبيركل سازمان ملل متحد مي‌تواند پس از مشورت با كميته، رونوشت قسمتهايي از گزارشها را كه ممكن است مربوط به امور مشمول صلاحيت

مؤسسات تخصصي باشد براي آن مؤسسات ارسال دارد.

4. کمیته گزارشهاي واصل از کشورهاي طرف اين ميثاق را بررسي ميکند و گزارشهاي خود و همچنين هرگونه ملاحظات کلي که مقتضي بداند به کشورهاي طرف اين ميثاق ارسال خواهد داشت. کمیته نيز ميتواند اين ملاحظات را بضمیمه گزارشهاي واصل از کشورهاي طرف اين ميثاق به شوراي اقتصادي و اجتماعي تقديم بدارد.

5. کشورهاي طرف اين ميثاق ميتوانند نظرياتي درباره هر گونه ملاحظات که بر طبق بند 4 اين ماده اظهار شده باشد به کمیته ارسال دارند.

ماده 41

1. هر کشور طرف اين ميثاق ميتواند به موجب اين ماده هر موقع اعلام بدارد که صلاحيت کمیته را براي دريافت و رسيدگي به اطلاعاتي دائر بر ادعاي هر کشور طرف ميثاق که کشور ديگر طرف ميثاق تعهدات خود را طبق اين ميثاق انجام نميدهد برسميت ميشناسد. به موجب اين ماده فقط اطلاعاتي قابل دريافت و رسيدگي خواهد بود که توسط يك کشور طرف ميثاق که شناسايي صلاحيت کمیته را نسبت به خود اعلام کرده باشد تقديم بشود. هيچ اطلاعاتي مربوط به يك کشور طرف اين ميثاق که چنين اعلامي نکرده باشد قابل پذيرش نخواهد بود. نسبت به اطلاعاتي که به موجب اين ماده دريافت ميشود به ترتيب ذيل اقدام خواهد شد:

الف - اگر يك کشور طرف ميثاق تشخيص دهد که کشور ديگر طرف ميثاق به مقررات اين ميثاق ترتيب اثر نميدهد ميتواند بوسيله اطلاعاتي کتبي توجه آن کشور طرف ميثاق را به موضوع جلب کند. در ظرف مدت سه ماه پس از وصول اطلاعاتي کشور دريافت کننده آن توضيح يا هر گونه اظهار کتبي ديگر دائر به روشن کردن موضوع در اختيار کشور فرستنده اطلاعاتي خواهد گذارد. توضيحات و اظهارات مزبور حتي الامکان و تا جائیکه مقتضي باشد از جمله حاوي اطلاعاتي خواهد بود در خصوص قواعد دادرسي طبق قوانين داخلي آن کشور و آنچه که براي علاج آن بعمل آمده يا در جريان رسيدگي است يا آنچه در اين مورد قابل استفاده بعدي است.

ب - اگر در ظرف ششماه پس از وصول اولين اطلاعاتي به کشور دريافت کننده موضوع با رضایت هر دو طرف مربوط فيصله نيابد هر يك از طرفين حق خواهد داشت با ارسال اخباريهاي به کمیته و به طرف مقابل موضوع را به کمیته ارجاع نمايد.

ج - کمیته به موضوع مرجوعه فقط پس از احراز اينکه بنا بر اصول متفق عليه حقوق بين الملل کلیه طرق شکايت طبق قوانين داخلي در موضوع مورد استناد واقع و طي شده است به موضوع مرجوعه رسيدگي ميکند. اين قاعده در مواردی که طي طرق شکايت به نحو غيرمعقول

طولانی باشد مجری نخواهد بود.

د - کمیته در موقع رسیدگی با اطلاعیه‌های واصل به موجب این ماده جلسات سری تشکیل خواهد داد.

ه - با رعایت مقررات شق "ج" کمیته به منظور حل دوستانه موضوع مورد اختلاف براساس احترام به حقوق بشر و آزادیهای اساسی شناخته شده در این میثاق مساعی جمیله خود را در اختیار کشورهای ذینفع طرف میثاق خواهد گذارد.

و - کمیته در کلیه امور مرجوعه بخود می‌تواند از کشورهای (ذینفع) طرف اختلاف موضوع شق "ب" هر گونه اطلاعات مربوط به قضیه را بخواهد.

ز - کشورهای ذینفع طرف میثاق موضوع شق "ب" حق خواهند داشت هنگام رسیدگی به قضیه در کمیته نماینده داشته باشند و ملاحظات خود را شفاهی یا کتبا یا بهر یک از دو شق اظهار بدارند.

ح - کمیته باید در مدت 12 ماه پس از تاریخ دریافت اخطاریه موضوع شق "ب" گزارش بدهد:

(1) اگر راه حلی طبق مقررات شق "ه" حاصل شده باشد کمیته گزارش خود را به شرح مختصر قضایا و راه حل حاصله حصر خواهد کرد.

(2) اگر راه حلی طبق مقررات شق "ه" حاصل نشده باشد کمیته در گزارش خود به شرح مختصر قضایا اکتفا خواهد کرد. متن ملاحظات کتبی و صورت مجلس ملاحظات شفاهی که کشورهای ذینفع طرف میثاق اظهار کرده‌اند ضمیمه گزارش خواهد بود. برای هر موضوعی گزارشی به کشورهای ذینفع طرف میثاق ابلاغ خواهد شد.

2. مقررات این ماده موقعی لازم‌الاجراء خواهد شد که ده کشور طرف این میثاق اعلامیه‌های پیش‌بینی شده در بند اول این ماده را داده باشند. اعلامیه‌های مذکور توسط کشور طرف میثاق نزد دبیرکل سازمان ملل متحد تودیع میشود و او رونوشت آن را برای سایر کشورهای طرف میثاق ارسال خواهد داشت. اعلامیه ممکن است هر موقع به وسیله اخطاریه خطاب به دبیرکل مسترد گردد. این استرداد به رسیدگی هر مسئله موضوع يك اطلاعیه قبلا به موجب این ماده ارسال شده باشد خللی وارد نمی‌کند.

هیچ اطلاعیه دیگری پس از وصول اخطاریه استرداد اعلامیه به دبیرکل پذیرفته نمیشود مگر اینکه کشور ذینفع طرف میثاق اعلامیه جدیدی داده باشد.

ماده 42

1. الف - اگر مسئله مرجوعه به کمیته طبق ماده 41 با رضایت کشورهای ذینفع طرف میثاق حل نشود کمیته می‌تواند با موافقت قبلی کشورهای ذینفع طرف میثاق يك کمیسیون خاص سازش تشکیل بدهد (که از این پس کمیسیون نامیده میشود). کمیسیون به منظور نیل به يك راه

حل دوستانه مسئله براساس احترام این میثاق مساعی جمیله خود را در اختیار کشورهای ذینفع طرف می‌گذارد.

ب - کمیسیون مرکب از پنج عضو است که با توافق کشورهای ذینفع طرف میثاق تعیین میشوند. اگر کشورهای ذینفع طرف میثاق درباره ترکیب تمام یا بعضی از اعضاء کمیسیون در مدت سه ماه به توافق نرسند آن عده از اعضاء کمیسیون که درباره آنها توافق نشده است از بین اعضاء کمیته با رأی مخفی به اکثریت دو ثلث اعضاء کمیته انتخاب میشوند.

2. اعضاء کمیسیون برحسب صلاحیت شخصی خودشان (10) انجام وظیفه میکنند. آنها نباید از اتباع کشورهای ذینفع طرف میثاق بوده یا از اتباع کشوری که طرف این میثاق نیست یا از اتباع کشور طرف این میثاق که اعلامیه مذکور در ماده 41 را نداده باشد.

3. کمیسیون رئیس خود را انتخاب و آئین نامه داخلی خود را تصویب میکند.

4. جلسات کمیسیون معمولاً در مرکز سازمان ملل متحد یا در دفتر سازمان ملل متحد در ژنو تشکیل خواهد شد معهذا جلسات مزبور ممکن است با مشورت دبیرکل سازمان ملل متحد و کشورهای ذینفع طرف میثاق در محل مناسب دیگری تشکیل شود.

5. دبیرخانه پیشبینی شده در ماده 36 خدمات دفتری کمیسیونهای متشکل به موجب این ماده را انجام میدهد.

6. اطلاعاتی که کمیته دریافت و رسیدگی میکند در اختیار کمیسیون گذارده میشود و کمیسیون میتواند از کشورهای ذینفع طرف میثاق تهیه هر گونه اطلاع تکمیلی مربوط دیگری را بخواهد.

7. کمیسیون پس از مطالعه مسئله از جمیع جهات ولی در هر صورت حداکثر در مدت دوازده ماه پس از ارجاع امر به آن گزارشی به رئیس کمیته تقدیم میدارد و او آنها را به کشورهای ذینفع طرف میثاق ابلاغ مینماید:

الف - اگر کمیسیون نتواند در مدت دوازده ماه رسیدگی را به اتمام برساند در گزارش خود اکتفا به بیان مختصر این نکته میکند که رسیدگی مسئله به کجا رسیده است.

ب - هرگاه يك راه حل دوستانه براساس احترام حقوق بشر بنحو شناخته شده در این میثاق حاصل شده باشد کمیسیون در گزارش خود به ذکر مختصر قضایا و راه حلی که به آن رسیده‌اند اکتفا میکند.

ج - هرگاه يك راه حل به مفهوم شق "ب" حاصل نشده باشد کمیسیون استنباط های خود را در خصوص کلیه نکات ماهیتی مربوط به مسئله مورد بحث بین کشورهای ذینفع طرف میثاق و همچنین نظریات خود را در خصوص امکانات حل دوستانه قضیه در گزارش خود درج میکند.

این گزارش همچنین محتوی ملاحظات کتبی و صورت مجلس ملاحظات شفاهی کشورهای ذینفع طرف میثاق خواهد بود.

د - هر گاه گزارش کمیسیون طبق شق "ج" تقدیم بشود کشورهای ذینفع طرف میثاق در مدت سه ماه پس از وصول گزارش به رئیس کمیته اعلام می‌دارند که مندرجات گزارش کمیسیون را می‌پذیرند یا نه.

8. مقررات این ماده به اختیارات کمیته بر طبق ماده 41 خللی وارد نمی‌کند.

9. کلیه هزینه‌های اعضای کمیسیون بطور تساوی بین کشورهای ذینفع طرف میثاق براساس برآوردی که دبیرکل سازمان ملل متحد تهیه می‌کند تقسیم می‌شود.

10. دبیرکل سازمان ملل متحد اختیار دارد در صورت لزوم هزینه‌های اعضاء را قبل از آنکه کشورهای ذینفع طرف میثاق طبق بند 9 این ماده پرداخت کنند کارسازی دارد.

ماده 43

اعضای کمیته و اعضای کمیسیونهای خاص سازش که طبق ماده 42 ممکن است تعیین شوند حق دارند از تسهیلات و امتیازات و مصونیت‌های مقرر درباره کارشناسان مأمور سازمان ملل متحد مذکور در قسمتهای مربوطه مقاله نامه امتیازات و مصونیت‌های ملل متحد استفاده نمایند.

ماده 44

مقررات اجرائی این میثاق بدون اینکه به آئین نامه‌های دادرسی مقرر در زمینه حقوق بشر طبق اسناد تشکیل دهنده یا به موجب آن و مقاله نامه‌های سازمان ملل متحد و مؤسسات تخصصی خللی وارد سازد اعمال می‌شود و مانع از آن نیست که کشورهای طرف میثاق برای حل يك اختلاف طبق موافقت‌های بین‌المللی عمومی یا اختصاصی که ملزم به آن هستند متوسل به آئین نامه‌های دادرسی دیگری بشوند.

ماده 45

کمیته هر سال گزارش کارهای خود را توسط شورای اقتصادی و اجتماعی به مجمع عمومی سازمان ملل متحد تقدیم می‌دارد.

***** ** *****

بخش پنجم

ماده 46

هیچیک از مقررات این میثاق نباید بنحوی تفسیر بشود که به مقررات منشور ملل متحد اساسنامه‌های مؤسسات تخصصی دائر به تعریف مسئولیت‌های مربوط به هر يك از ارکان سازمان ملل متحد و مؤسسات تخصصی نسبت به مسائل موضوع این میثاق لطمه‌ای وارد آورد.

ماده 47

هیچیک از مقررات این میثاق نباید بنحوی تفسیر بشود که بحق ذاتی

کلیه ملل به تمتع و استفاده کامل و آزادانه آنان از منابع و ثروتهای طبیعی خود شان لطمه‌ای وارد آورد.

***** ** *****

بخش ششم

ماده 48

1. این میثاق برای امضای هر کشور عضو سازمان ملل متحد یا عضو هر یک از مؤسسات تخصصی آن یا هر کشور طرف متعاقد اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری همچنین هر کشوری که مجمع عمومی سازمان ملل متحد دعوت کند که طرف این میثاق بشود مفتوح است.

2. این میثاق موکول به تصویب است. اسناد تصویب باید نزد دبیرکل سازمان ملل متحد تودیع شود.

3. این میثاق برای الحاق هر یک از کشورهای مذکور در بند اول این ماده مفتوح خواهد بود.

4. الحاق بوسیله تودیع سند الحاق نزد دبیرکل سازمان ملل متحد بعمل می‌آید.

5. دبیرکل سازمان ملل متحد کلیه کشورهای را که این میثاق را امضاء کرده‌اند یا به آن ملحق شده‌اند از تودیع هر سند تصویب یا الحاق مطلع خواهد کرد.

ماده 49

1. این میثاق سه ماه پس از تاریخ تودیع سی و پنجمین سند تصویب یا الحاق نزد دبیرکل سازمان ملل متحد لازم‌الاجراء می‌شود.

2. درباره هر کشوری که این میثاق را پس از تودیع سی و پنجمین سند تصویب یا الحاق تصویب کند یا به آن ملحق بشود این میثاق سه ماه پس از تاریخ تودیع سند تصویب یا الحاق آن کشور لازم‌الاجراء می‌شود.

ماده 50

مقرات این میثاق بدون هیچ‌گونه محدودیت یا استثناء درباره کلیه واحدهای تشکیل دهنده کشورهای متحده (فدرال) شمول خواهد داشت.

ماده 51

1. هر کشور طرف میثاق می‌تواند اصلاح این میثاق را پیشنهاد کند و متن آن را نزد دبیرکل سازمان ملل متحد تودیع کند. در این صورت دبیرکل سازمان ملل متحد هر طرح اصلاح پیشنهادی را به کشورهای طرف این میثاق ارسال می‌دارد و از آنها درخواست می‌نماید به او اعلام دارند که آیا مایلند کنفرانسی از کشورهای طرف میثاق به منظور بررسی و اخذ رأی درباره طرحهای پیشنهادی تشکیل گردد. در صورتیکه حداقل یک ثلث کشورهای طرف میثاق موافق تشکیل چنین کنفرانسی باشند دبیرکل کنفرانس را در زیر لوای سازمان ملل متحد دعوت خواهد کرد. هر اصلاحی که مورد قبول اکثریت کشورهای حاضر و رأی‌دهنده در

کنفرانس واقع بشود برای تصویب به مجمع عمومی سازمان ملل متحد تقدیم خواهد شد.

2. اصلاحات موقعی لازم الاجرا میشود که به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد برسد و اکثریت دو ثلث کشورهای طرف این میثاق بر طبق قواعد قانون اساسی خودشان آنرا قبول کرده باشند.

3. موقعی که اصلاحات لازم الاجرا میشود برای آن دسته از کشورهای طرف میثاق که آن را قبول کرده اند الزام آور خواهد بود سایر کشورهای طرف میثاق کماکان به مقررات این میثاق و هر گونه اصلاح آن که قبلاً قبول کرده اند ملزم خواهند بود.

ماده 52

قطع نظر از اطلاعیه‌های مقرر در بند 5 ماده 48 دبیرکل سازمان ملل متحد مراتب زیر را به کلیه کشورهای مذکور در بند اول آن ماده اطلاع خواهد داد.

الف - امضای این میثاق و اسناد تصویب و الحاق تودیع شده طبق ماده 48

ب - تاریخ لازم الاجرا شدن این میثاق طبق ماده 49 و تاریخ لازم الاجرا شدن اصلاحات طبق ماده 51.

ماده 53

1. این میثاق که متنهای چینی - انگلیسی - فرانسه - روسی و اسپانیایی آن دارای اعتبار مساوی است در بایگانی سازمان ملل متحد تودیع خواهد شد.

2. دبیرکل سازمان ملل متحد رونوشت مصدق این میثاق را برای کلیه کشورهای مذکور در ماده 45 ارسال خواهد داشت.

***** ** *****

حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی

میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی

مصوب 16 دسامبر 1966 میلادی (مطابق با 25/9/1345 شمسی)

مجمع عمومی سازمان ملل متحد (13)

کشورهای طرف این میثاق با توجه به اینکه بر طبق اصولی که در منشور ملل متحد اعلام گردیده است شناسائی حیثیت ذاتی و حقوق یکسان و غیرقابل انتقال کلیه اعضاء خانواده بشر مبنای آزادی - عدالت و صلح در جهان است.

با اذعان به اینکه حقوق مذکور فوق ناشی از حیثیت ذاتی شخص انسان است.

با اذعان به اینکه بر طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر کمال مطلوب انسان آزاد رهائی یافته از ترس و فقر فقط در صورتی حاصل میشود که شرایط تمتع هر کس از حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی خود و همچنین از حقوق مدنی و سیاسی او ایجاد شود.

با توجه به اینکه کشورها بر طبق منشور ملل متحد به ترویج احترام جهانی و مؤثر حقوق و آزادیهای بشر ملزم هستند.

با در نظر گرفتن این حقیقت که هر فرد نسبت به افراد دیگر نیز نسبت به اجتماعی که بدان تعلق دارد عهده دار وظایفی است و مکلف است باینکه در ترویج و رعایت حقوق شناخته شده به موجب این میثاق اهتمام نماید.

با مواد زیر موافقت دارند:

***** ** *****

بخش يك

ماده 1

1. کلیه ملل دارای حق خودمختاری هستند. به موجب حق مزبور ملل وضع سیاسی خود را آزادانه تعیین و توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی خود را آزادانه تأمین میکنند.

2. کلیه ملل میتوانند برای نیل به هدفهای خود در منابع و ثروتهای طبیعی خود بدون اخلاص به الزامات ناشی از همکاری اقتصادی بینالمللی مبتنی بر منافع مشترک و حقوق بینالملل آزادانه هر گونه تصرفی بنمایند. در هیچ مورد نمیتوان ملتی را از وسایل معاش خود محروم کرد.

3. کشورهای طرف این میثاق از جمله کشورهای مسئول اداره سرزمینهای غیرخودمختار و تحت قیمومت مکلفند تحقق حق خودمختاری ملل را تسهیل و احترام این حق را طبق مقررات منشور ملل متحد رعایت کنند.

***** ** *****

بخش دوم

ماده 2

1. هر کشور طرف این میثاق متعهد می‌گردد به سعی و اهتمام خود و از طریق همکاری و تعاون بین‌المللی به ویژه در طرحهای اقتصادی و فنی - با استفاده از حداکثر منابع موجود خود به منظور تأمین تدریجی اعمال کامل حقوق شناخته شده در این میثاق با کلیه وسایل مقتضی بخصوص با اقدامات قانونگذاری اقدام نمایند.

2. کشورهای طرف این میثاق متعهد میشوند که اعمال حقوق مذکور در این میثاق را بدون هیچ نوع تبعیض از حیث نژاد - رنگ - جنس - زبان - مذهب - عقیده سیاسی یا هر گونه عقیده دیگر - اصل و منشاء ملی یا اجتماعی - ثروت - نسب یا هر وضعیت دیگر تضمین نمایند.

3. کشورهای در حال رشد با توجه لازم به حقوق بشر و وضع اقتصاد ملی خود میتوانند تعیین کنند که تا چه اندازه حقوق اقتصادی شناخته شده در این میثاق را درباره اتباع بیگانه تضمین خواهند کرد.

ماده 3

کشورهای طرف این میثاق متعهد میشوند که تساوی حقوق مردان و زنان را در استفاده از کلیه حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی مقرر در این میثاق تأمین نمایند.

ماده 4

کشورهای طرف این میثاق معترفند که در تمتع از حقوقی که مطابق این میثاق در هر کشوری مقرر میشود آن کشور نمیتواند حقوق مزبور را تابع محدودیتهائی جز به موجب قانون بنماید و آنها فقط تا حدودی که با ماهیت این حقوق سازگار بوده و منظور آن منحصراً توسعه رفاه عامه در یک جامعه دموکراتیک باشد.

ماده 5

1. هیچیک از مقررات این میثاق را نمیتوان به نحوی تفسیر نمود که متضمن ایجاد حقی برای کشوری یا گروهی یا فردی گردد که به استناد آن به منظو تضييع هر يك از حقوق و آزادیهای شناخته شده در این میثاق و یا محدود نمودن آن بیش از آنچه در این میثاق پیشبینی شده است مبادرت به فعالیتی بکند و یا اقدامی به عمل آورد.

2. هیچگونه محدودیت یا انحراف از هر يك از حقوق اساسی بشر که به موجب قوانین مقاوله نامه ها - آئین نامه ها یا عرف و عادات در هر کشور طرف این میثاق به رسمیت شناخته شده یا نافذ و جاری است به عذر اینکه این میثاق چنین حقوقی را به رسمیت نشناخته یا اینکه به میزان کمتری به رسمیت شناخته قابل قبول نخواهد بود.

***** ** *****

بخش سوم

ماده 6

1. کشورهای طرف این میثاق حق کارکردن را که شامل حق هر کس است به اینکه فرصت یابد بوسیله و کاری که آزادانه انتخاب یا قبول مینماید معاش خود را تأمین کند - به رسمیت می شناسند و اقدامات مقتضی برای حفظ این حق معمول خواهند داشت.

2. اقداماتی که کشورهای طرف این میثاق به منظور تأمین اعمال کامل این حق به عمل خواهند آورد باید شامل راهنمایی و تربیت فنی و حرفه ای و طرح برنامه ها و خط مشیها و تدابیر فنی باشد که از لوازم تأمین توسعه مداوم اقتصادی - اجتماعی و اشتغال تام و مولد است تحت شرایطی که آزادیهای اساسی سیاسی و اقتصادی را برای افراد حفظ نماید.

ماده 7

کشورهای طرف این میثاق حق هر کس را به تمتع عادلانه و مساعد کار که بویژه متضمن مراتب زیر باشد به رسمیت می شناسند:

الف - اجرتی که لااقل امور ذیل را برای کلیه کارگران تأمین نماید:

1. مزد منصفانه و اجرت مساوی برای کار با ارزش مساوی بدون هیچ نوع تمایز به ویژه اینکه زنان تضمین داشته باشند که شرایط کار آنان پائین تر از شرایط مورد استفاده مردان نباشد و برای کار مساوی مزد مساوی با مردان دریافت دارند.

2. مزایای کافی برای آنان و خانواده‌شان طبق مقررات این میثاق

ب - ایمنی و بهداشت کار

ج - تساوی فرصت برای هر کس که بتواند در خدمت خود به مدارج مناسب عالیتری ارتقاء یابد بدون در نظر گرفتن هیچگونه ملاحظات دیگری جز طول مدت خدمت و لیاقت

د - استراحت - فراغت و محدودیت معقول ساعات کار و مرخصی ادورای با استفاده از حقوق و همچنین مزد ایام تعطیل رسمی

ماده 8

1. کشورهای طرف این میثاق متعهد میشوند که مراتب زیر را تضمین کنند:

الف - حق هر کس به اینکه به منظور پیشبرد و حفظ منافع اقتصادی و اجتماعی خود با رعایت مقررات سازمان زیربط مبادرت به تشکیل اتحادیه نماید و به اتحادیه مورد انتخاب خود ملحق شود. اعمال این حق را نمیتوان تابع هیچ محدودیتی نمود مگر آنچه که به موجب قانون تجویز شده و در يك جامعه دموکراتیک برای مصالح امنیت ملی یا نظم عمومی یا حفظ حقوق و آزادیهای افراد دیگر ضرورت داشته باشد.

ب - حق اتحادیه‌ها (سندیکاها) به تشکیل فدراسیونها یا کنفدراسیونهای ملی و حق کنفدراسیونها به تشکیل سازمانهای سندیکایی بین‌المللی یا الحاق به آنها.

ج - حق اتحادیه‌ها (سندیکاها) که آزادانه به فعالیت خود مبادرت نمایند بدون هیچ محدودیتی جز آنچه به موجب قانون تجویز شده و در يك جامعه دموکراتیک برای مصالح امنیت ملی یا نظم عمومی یا برای حفظ حقوق و آزادیهای دیگران ضرورت داشته باشد.

د - حق اعتصاب مشروط بر اینکه با رعایت مقررات کشور مربوط اعمال شود.

2. این ماده مانع از آن نخواهد بود که افراد نیروهای مسلح یا پلیس یا مقامات اداری دولت در اعمال این حقوق تابع محدودیتهای قانونی بشوند.

3. هیچ يك از مقررات این ماده کشورهای طرف مقاوله نامه 1948

سازمان بین‌المللی کار مربوط به آزادی سندیکایی و حمایت از حق سندیکایی را مجاز نمی‌دارد که با اتخاذ تدابیر قانونگذاری یا نحوه اجرای قوانین به تضمینات مقرر در مقاله‌نامه مزبور لطمه‌ای وارد آورند.

ماده 9

کشورهای طرف این میثاق حق هر شخص را به تأمین اجتماعی از جمله بیمه‌ای اجتماعی به رسمیت می‌شناسند.

ماده 10

کشورهای طرف این میثاق اذعان (قبول) دارند که:

1. خانواده که عنصر طبیعی (14) و اساسی جامعه است باید از حمایت و مساعدت به حد اعلائی ممکن برخوردار گردد بویژه برای تشکیل و استقرار آن و مادام که مسئولیت نگاهداری و آموزش و پرورش کودکان خود را بعهده دارد.

ازدواج باید با رضایت آزادانه طرفین که قصد آن را دارند واقع شود.

2. مادران در مدت معقولی پیش از زایمان و پس از آن باید از حمایت خاص برخوردار گردند. در آن مدت مادران کارگر باید از مرخصی با استفاده از حقوق و یا مرخصی با مزایای تأمین اجتماعی کافی برخوردار گردند.

3. تدابیر خاص در حمایت و مساعدت به نفع کلیه اطفال غیرمميز و مميز (15) بدون هیچگونه تبعیض به علت نسب یا علل دیگر باید اتخاذ بشود. اطفال غیرمميز و مميز باید در مقابل استثمار اقتصادی و اجتماعی حمایت شوند.

و داشتن اطفال به کارهایی که برای جهات اخلاقی یا سلامت آنها زیان‌آور است یا زندگی آنها را به مخاطره می‌اندازد یا مانع رشد طبیعی آنان می‌گردد باید به موجب قانون قابل مجازات باشد.

ماده 11

1. کشورهای طرف این میثاق حق هر کس را به داشتن سطح زندگی کافی برای خود و خانواده‌اش شامل خوراک - پوشاک و مسکن کافی همچنین

بهبود مداوم شرایط زندگی به رسمیت می‌شناسند.

کشورهای طرف این میثاق به منظور تأمین تحقق این حق تدابیر مقتضی اتخاذ خواهند کرد و از این لحاظ اهمیت اساسی همکاری بین‌المللی براساس رضایت آزاد را اذعان (قبول) دارند.

2. کشورهای طرف این میثاق با اذعان به حق اساسی هر کس به اینکه از گرسنگی فارغ باشد منفرداً و از طریق همکاری بین‌المللی تدابیر لازم از جمله برنامه‌های مشخصی به قرار ذیل اتخاذ خواهند کرد:

الف - بهبود روشهای تولید و حفظ و توزیع خواربار با استفاده کامل از معلومات فنی و علمی با اشاعه اصول آموزش تغذیه و با توسعه یا اصلاح نظام زراعی بنحوی که حداکثر توسعه مؤثر و استفاده از منابع طبیعی را تأمین نمایند.

ب - تأمین توزیع منصفانه ذخایر (منابع) خواربار جهان بر حسب حوائج با توجه به مسائل (مبتلا به) کشورهای صادر کننده و وارد کننده خواربار (غذا).

ماده 12

1. کشورهای طرف این میثاق حق هر کس را به تمتع از بهترین حال سلامت جسمی و روحی ممکن‌الحصول به رسمیت می‌شناسند.

2. تدابیری که کشورهای طرف این میثاق برای تأمین استیفای کامل این حق اتخاذ خواهند کرد شامل اقدامات لازم برای تأمین امور ذیل خواهد بود:

الف - تقلیل میزان مرده متولد شدن کودکان - مرگ و میر کودکان و رشد سالم آنان.

ب - بهبود بهداشت محیط و بهداشت صنعتی از جمیع جهات.

ج - پیشگیری و معالجه بیماری‌های همه گیر - بومی - حرفه‌ای و سایر بیماریها همچنین پیکار علیه این بیماریها.

د - ایجاد شرایط مناسب برای تأمین مراجع پزشکی و کمکهای پزشکی برای عموم در صورت ابتلاء به بیماری.

ماده 13

1. کشورهای طرف این میثاق حق هر کس را به آموزش و پرورش به رسمیت می‌شناسند.

کشورهای مزبور موافقت دارند که هدف آموزش و پرورش باید نمو کامل شخصیت انسانی و احساس حیثیت آن و تقویت احترام حقوق بشر و آزادی‌های اساسی باشد. علاوه بر این کشورهای طرف این میثاق موافقت دارند که آموزش و پرورش باید کلیه افراد را برای ایفای نقش سودمند در يك جامعه آزاد آماده سازد و موجبات تفاهم و تساهل و دوستی بین کلیه ملل و کلیه گروه‌های نژادی - قومی یا مذهبی را فراهم آورد و توسعه فعالیت‌های سازمان ملل متحد را به منظور حفظ صلح تشویق نماید.

2. کشورها طرف این میثاق اذعان دارند که به منظور استیفای این حق:

الف - آموزش و پرورش ابتدایی باید اجباری باشد و رایگان در دسترس عموم قرار گیرد.

ب - آموزش و پرورش متوسطه به اشکال مختلف آن از جمله آموزش و پرورش فنی و حرفه‌ای متوسطه باید تعمیم یابد و به کلیه وسایل مقتضی بویژه به وسیله معمول کردن تدریجی آموزش و پرورش مجانی در دسترس عموم قرار گیرد.

ج - آموزش و پرورش عالی باید به کلیه وسایل مقتضی بویژه بوسیله معمول کردن تدریجی آموزش و پرورش مجانی به تساوی کامل براساس استعداد هر کس در دسترس عموم قرار گیرد.

د - آموزش و پرورش پایه (اساسی) باید حتی‌الامکان برای کسانی که فاقد آموزش و پرورش ابتدایی بوده یا آنرا تکمیل نکرده باشند تشویق و تشدید بشود.

ه - توسعه شبکه مدارس در کلیه مدارج باید فعالانه دنبال شود و نیز باید يك ترتیب کافی اعطاء بورسها (هزینه تحصیلی) برقرار گردد و شرایط مادی معلمان باید پیوسته بهبود یابد.

3. کشورهای طرف این میثاق متعهد میشوند که آزادی والدین یا سرپرست قانونی کودکان را بر حسب مورد در انتخاب مدرسه برای کودکانش سواي مدارس دولتی محترم بشمارند مشروط بر اینکه مدارس مزبور با حداقل موازین (قواعد) آموزش و پرورش که ممکن است دولت

تجویز یا تصویب کرده باشد مطابقت کند و آموزش و پرورش مذهبی و اخلاقی کودکان مطابق معتقدات شخصی والدین یا سرپرستان آنان تأمین گردد.

4. هیچیک از اجزای این ماده نباید بنحوی تفسیر گردد که با آزادی افراد و اشخاص حقوقی به ایجاد و اداره مؤسسات آموزشی اخلاقی نماید مشروط بر اینکه اصول مقرر در بند اول این ماده رعایت شود و تعلیماتی که در چنین مؤسساتی آموزش داده میشود با موازین حداقلی که ممکن است دولت تجویز کرده باشد مطابقت کند.

ماده 14

هر کشور طرف این میثاق که در زمان امضای آن هنوز نتوانسته است در قلمرو اصلی خود یا دیگر سرزمینهای تحت حاکمیت خود آموزش و پرورش ابتدایی اجباری مجانی تأمین نماید متعهد میشود طرف مدت دو سال یک طرح تفصیلی تدابیر لازم برای تحقق بخشیدن تدریجی اجرای کامل اصل آموزش و پرورش اجباری مجانی برای عموم در ظرف مدت چند سالی که در خود طرح تصریح بشود تنظیم و تصویب کند.

ماده 15

1. کشورهای طرف این میثاق حق هر کس را در امور ذیل به رسمیت میشناسند:

الف - شرکت در زندگی فرهنگی

ب - بهره‌مند شدن از پیشرفتهای علمی و مجاری آن

ج - بهره‌مند شدن از حمایت منافع معنوی و مادی ناشی از هر گونه اثر علمی - ادبی یا هنری که مصنف (یا مخترع) آن است.

2. تدابیری که برای تأمین اعمال کامل این حق توسط کشورهای طرف این میثاق اتخاذ خواهد شد باید شامل تدابیر لازم برای تأمین حفظ و توسعه و ترویج علم و فرهنگ باشد.

3. کشورهای طرف این میثاق متعهد میشوند که آزادی لازم برای تحقیقات علمی و فعالیتهای خلاقه را محترم بشمارند.

4. کشورهای طرف این میثاق به فوائد حاصل از تشویق و توسعه همکاری و تماسهای بین‌المللی در زمینه علم و فرهنگ اعتراف مینمایند.

بخش چهار

ماده 16

1. کشورهای طرف این میثاق متعهد میشوند بر طبق مقررات این بخش از میثاق درباره تدابیری که به منظور تأمین رعایت حقوق شناخته شده در این میثاق اتخاذ کرده باشند و پیشرفتهایی که در این زمینه حاصل شده است گزارشهایی تقدیم بدارند.

2. الف - کلیه گزارشها به عنوان دبیرکل سازمان ملل متحد تقدیم میشود.

مشارالیه رونوشت گزارشها را برای بررسی طبق مقررات این میثاق به شورای اقتصادی و اجتماعی ارسال میدارد.

ب - دبیرکل سازمان ملل متحد همچنین رونوشت تمام یا قسمتهای مربوط گزارشهای واصل از کشورهای طرف این میثاق و نیز عضو مؤسسات تخصصی را تا جایی که این گزارشها با قسمتهای مربوط آنها راجع به مسائلی باشد که بر طبق اساسنامه مؤسسات تخصصی مذکور در صلاحیت آنها قرار میگیرد برای آن مؤسسات ارسال میدارد.

ماده 17

1. کشورهای طرف این میثاق گزارشهای خود را مرحله به مرحله بر طبق برنامه‌ای که شورای اقتصادی و اجتماعی ظرف یکسال از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این میثاق پس از مشاوره با کشورهای طرف میثاق و مؤسسات تخصصی مربوط تنظیم خواهد کرد تقدیم خواهند داشت.

2. گزارشها ممکن است حاکی از عوامل و مشکلاتی باشد که مانع دولتها در اجرای کامل تعهدات مقرر در این میثاق شده است. (16)

3. در مواردی که اطلاعات مربوط توسط هر کشور طرف این میثاق قبلاً^۱ به سازمان ملل متحد یا هر یک از مؤسسات تخصصی فرستاده شده باشد تهیه مجدد اطلاعات مزبور ضرورت نخواهد داشت بلکه اشاره صریح به اطلاعات ارسال شده قبلی کفایت خواهد کرد.

ماده 18

شورای اقتصادی و اجتماعی به موجب مسئولیت هائی که طبق منشور

ملل متحد در زمینه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی به آن محول شده است می‌تواند به منظور تقدیم گزارش‌هایی از طرف مؤسسات تخصصی به شورا در حدود فعالیت‌های مربوط به خودشان درباره پیشرفت‌های حاصل در تأمین رعایت مقررات این میثاق با مؤسسات مزبور قراردادی بگذارند. این گزارش‌ها ممکن است متضمن اطلاعاتی (17) باشد در خصوص تصمیمات و توصیه‌هایی که ارکان ذیصلاحیت مؤسسات مزبور راجع به عملیات اجرایی تصویب کرده‌اند.

ماده 19

شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند گزارش‌های مربوط به حقوق بشر را که کشورها بر طبق مواد 16 و 17 مؤسسات تخصصی بر طبق ماده 18 تقدیم می‌دارند برای مطالعه و توصیه کلی یا در صورت اقتضاء برای اطلاع به کمیسیون حقوق بشر احاله نماید.

ماده 20

کشورهای طرف این میثاق و مؤسسات تخصصی مربوط می‌توانند درباره هر توصیه کلی که به موجب ماده 19 شده باشد یا درباره هر گونه ذکر که از يك توصیه کلی در يك گزارش کمیسیون حقوق بشر یا در هر سند مذکور در آن گزارش شده باشد ملاحظات خود را به شورای اقتصادی و اجتماعی تقدیم بدارند.

ماده 21

شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند گاه‌گاه گزارش‌هایی متضمن توصیه‌های کلی و خلاصه اطلاعات واصل از کشورهای طرف این میثاق و عضو مؤسسات تخصصی درباره تدابیر متخذه و پیشرفت‌های حاصله در رعایت کلی حقوق شناخته شده در این میثاق به مجمع عمومی تقدیم بدارد.

ماده 22

شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند توجه سایر ارکان سازمان ملل متحد و ارکان فرعی و مؤسسات تخصصی مربوط را که عهده‌دار کمک فنی هستند به مسائلی معطوف بدارد که در گزارش‌های مذکور در این بخش این میثاق عنوان شده و ممکن است به این مؤسسات کمک کند که هر يك در حدود صلاحیتشان راجع به مقتضی بودن اتخاذ تدابیر بین‌المللی مفید به اجرای مؤثر و تدریجی این میثاق اظهار نظر بکند.

ماده 23

کشورهای طرف این میثاق موافقت دارند که تدابیر بین‌المللی به منظور تأمین تحقق حقوق شناخته شده در این میثاق بالاخص شامل انعقاد مقاوله‌نامه‌ها - تصویب نامه‌ها - دادن کمک فنی و تشکیل کنفرانسهای منطقه‌ای و کنفرانسهای فنی با شرکت دولتهای مربوط به منظور مشاوره و بررسی می‌باشد.

ماده 24

هیچیک از مقررات این میثاق نباید بنحوی تفسیر گردد که به مقررات منشور ملل متحد و اساسنامه‌های مؤسسات تخصصی دائر به تعریف مسئولیتهای مربوط به هر يك از ارکان مختلف سازمان ملل متحد و مؤسسات تخصصی نسبت به مسائل موضوع این میثاق لطمه‌ای وارد آورد.

ماده 25

هیچیک از مقررات این میثاق نباید بنحوی تفسیر گردد که به حق ذاتی کلیه ملل و تمتع و استفاده کامل و آزادانه آنان از منابع و ثروتهای طبیعی خودشان لطمه‌ای وارد آورد.

ماده 26

1. این میثاق برای امضاء هر کشور عضو سازمان ملل متحد یا عضو هر يك از مؤسسات تخصصی ملل متحد یا هر کشور طرف متعاهد اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری یا هر کشور دیگری که مجمع عمومی سازمان ملل متحد دعوت کند که از طرف این میثاق بشود مفتوح است.

2. این میثاق موكول به تصویب است. اسناد تصویب (18) باید نزد دبیرکل سازمان ملل متحد تودیع شود.

3. این میثاق برای الحاق هر يك از کشورهای مذکور در بند اول این ماده مفتوح خواهد بود.

4. الحاق بوسیله تودیع سند الحاق نزد دبیرکل سازمان ملل متحد صورت می‌گیرد.

5. دبیرکل سازمان ملل متحد کلیه کشورهای را که این میثاق را امضاء کرده‌اند یا به آن ملحق شده‌اند از تودیع هر سند تصویب یا الحاق مطلع خواهد کرد.

ماده 27

1. این میثاق سه ماه پس از تودیع سی و پنجمین سند تصویب یا الحاق نزد دبیرکل سازمان ملل متحد لازم الاجرا می‌شود.

2. درباره هر کشوری که پس از تودیع سی و پنجمین سند تصویب یا الحاق این میثاق را تصویب کند یا به آن ملحق بشود این میثاق سه ماه پس از تاریخ تودیع سند تصویب یا الحاق آن کشور لازم الاجرا خواهد شد.

ماده 28

مقررات این میثاق بدون هیچگونه محدودیت یا استثناء درباره کلیه واحدهای تشکیل دهنده کشورهای متحده (فدرال) شمول خواهد داشت.

ماده 29

1. هر کشور طرف این میثاق می‌تواند اصلاح (این میثاق را) پیشنهاد و متن آنرا نزد دبیرکل سازمان ملل متحد تودیع کند. در این صورت دبیرکل هر طرح اصلاح پیشنهادی را برای کشورهای طرف این میثاق ارسال می‌دارد و از آنها درخواست می‌نماید به او اعلام دارند که آیا مایلند کنفرانسی از کشورهای طرف میثاق به منظور بررسی و اخذ رأی درباره طرحهای پیشنهادی تشکیل گردد. در صورتی که حداقل یک ثلث کشورهای طرف میثاق موافق تشکیل چنین کنفرانسی باشند دبیرکل کنفرانس را تحت زیر لوای سازمان ملل متحد دعوت خواهد کرد. هر اصلاحی که مورد قبول اکثریت کشورهای حاضر و رأی دهنده در کنفرانس واقع شود برای تصویب به مجمع عمومی سازمان ملل متحد تقدیم خواهد شد.

2. اصلاحات موقعی لازم الاجرا می‌شود که به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد برسد و اکثریت دو ثلث کشورهای طرف این میثاق بر طبق قواعد قانون اساسی خودشان آنرا قبول کرده باشند.

3. موقعی که اصلاحات لازم الاجرا می‌شود برای آندسته از کشورهای طرف میثاق که آنرا قبول کرده‌اند الزام آور خواهد بود سایر کشورهای طرف میثاق کماکان به مقررات این میثاق و هر گونه اصلاح آن که قبلاً قبول کرده‌اند ملزم خواهند بود.

ماده 30

قطع نظر از اطلاعیه‌های مقرر در بند 5 ماده 26 دبیرکل سازمان ملل متحد مراتب زیر را به کلیه کشورهای مذکور در بند اول آن ماده

اطلاع خواهد داد.

الف - امضاهای این میثاق و اسناد تصویب و الحاق تودیع شده طبق ماده 26.

ب - تاریخ لازم الاجراء شدن این میثاق طبق ماده 27 و تاریخ لازم الاجراء شدن اصلاحات طبق ماده 29.

ماده 31

1. این میثاق که متنهای چینی - انگلیسی - فرانسه - روسی و اسپانیایی آن دارای اعتبار مساوی است در بایگانی سازمان ملل متحد تودیع خواهد شد.

2. دبیرکل سازمان ملل متحد رونوشت مصدق این میثاق را برای کلیه کشورهای مذکور در ماده 26 ارسال خواهد داشت.
میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی

مصوب 16 دسامبر 1966 میلادی (مطابق با 25/9/1345 شمسی) مجمع عمومی سازمان ملل متحد (3)

مقدمه

کشورهای طرف این میثاق با توجه به اینکه بر طبق اصولی که در منشور ملل متحد اعلام گردیده است شناسایی حیثیت ذاتی و حقوق یکسان و غیرقابل انتقال کلیه اعضاء خانواده بشر مبنای آزادی - عدالت و صلح در جهان است.

با اذعان به این که حقوق مذکور ناشی از حیثیت ذاتی شخص انسان است.

با اذعان به این که بر طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر کمال مطلوب انسان آزاد رهائی یافته از ترس و فقر فقط در صورتی حاصل میشود که شرایط تمتع هر کس از حقوق مدنی و سیاسی خود و همچنین از حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی او ایجاد شود.

با توجه به این که دولتها بر طبق منشور ملل متحد به ترویج احترام جهانی و مؤثر و رعایت حقوق و آزادیهای بشر ملزم هستند.

با نظر گرفتن این حقیقت که هر فرد نسبت به افراد دیگر و نیز نسبت به اجتماعی که بدان تعلق دارد عهده دار وظایفی است و مکلف

است به این که در ترویج و رعایت حقوق شناخته شده به موجب این میثاق اهتمام نماید.

با مواد زیر موافقت دارند:

***** ** *****

بخش يك

ماده 1

1. کلیه ملل دارای حق خودمختاری هستند. به موجب حق مزبور ملل وضع سیاسی خود را آزادانه تعیین و توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی خود را آزادانه تأمین می‌کنند.

2. کلیه ملل می‌توانند برای نیل به هدفهای خود در منابع و ثروتهای طبیعی خود بدون اخلاص با الزامات ناشی از همکاری اقتصادی بین‌المللی مبتنی بر منافع مشترک و حقوق بین‌الملل آزادانه هر گونه تصرفی بنمایند - در هیچ مورد نمی‌توان ملتی را از وسایل معاش خود محروم کرد.

3. دولتهای طرف این میثاق از جمله دولتهای مسئول اداره سرزمینهای غیرخودمختار و تحت قیمومت مکلفند تحقق حق خودمختاری ملل را تسهیل و احترام این حق را طبق مقررات منشور ملل متحد رعایت کنند.

***** ** *****

بخش دوم

ماده 2

1. دولتهای طرف این میثاق متعهد میشوند که حقوق شناخته شده در این میثاق را درباره کلیه افراد مقیم در قلمرو تابع حاکمیتشان بدون هیچگونه تمایزی از قبیل نژاد - رنگ - جنس - زبان - مذهب - عقیده سیاسی یا عقیده دیگر - اصل و منشأ ملی یا اجتماعی - ثروت - نسب یا سایر وضعیتها محترم شمرده و تضمین بکنند.

2. هر دولت طرف این میثاق متعهد میشود که بر طبق اصول قانون اساسی خود و مقررات این میثاق اقداماتی در زمینه اتخاذ تدابیر قانونگذاری و غیرآن به منظور تنفیذ حقوق شناخته شده در این میثاق که قبلاً به موجب قوانین موجود یا تدابیر دیگر لازم‌الاجراء نشده است بعمل آورد.

3. هر دولت طرف این میثاق متعهد میشود که:

الف - تضمین کند که برای هر شخصی که حقوق و آزادیهای شناخته شده در این میثاق درباره او نقض شده باشد وسیله مطمئن احقاق حق فراهم بشود هر چند که نقض حقوق به وسیله اشخاصی ارتکاب شده باشد که در اجرای مشاغل رسمی خود عمل کرده باشند.

ب. تضمین کند که مقامات صالح قضائی - اداری یا مقننه یا هر مقام دیگری که به موجب مقررات قانونی آن کشور صلاحیت دارد درباره شخص دادخواست دهنده احقاق حق بکنند و همچنین امکانات تظلم به مقامات قضائی را توسعه بدهند.

ج. تضمین کند که مقامات صالح «نسبت به تظلماتی که حقانیت آن محرز بشود ترتیب اثر صحیح بدهند.» (4)

ماده 3

دولتهای طرف این میثاق متعهد میشوند که تساوی حقوق زنان و مردان را در استفاده از حقوق مدنی و سیاسی پیشبینی شده در این میثاق تأمین کنند.

ماده 4

هر گاه يك خطر عمومي استثنایي (فوقالعاده) موجودیت ملت را تهدید کند و این خطر رسماً اعلام بشود کشورهای طرف این میثاق میتوانند تدابیری خارج از الزامات مقرر در این میثاق به میزانی که وضعیت حتماً ایجاب مینماید اتخاذ نمایند مشروط بر این که تدابیر مزبور با سایر الزاماتی که بر طبق حقوق بینالملل بعهدہ دارند مغایرت نداشته باشد و منجر به تبعیضی منحصرأً براساس نژاد - رنگ - جنس - زبان - اصل و منشأ مذهبی یا اجتماعی نشود.

2. حکم مذکور در بند فوق هیچگونه انحراف از مواد 6 - 7 (بندهای اول و دوم) ماده 8 - 11 - 15 - 16 - 18 را تجویز نمیکند.

3. دولتهای طرف این میثاق که از حق انحراف استفاده کنند مکلفند بلافاصله سایر دولتهای طرف میثاق را توسط دبیرکل ملل متحد از مقرراتی که از آن انحراف ورزیده و جهاتی که موجب انحراف شده است مطلع نمایند و در تاریخی که به این انحرافها خاتمه میدهند مراتب را به وسیله اعلامیه جدیدی از همان مجری اطلاع دهند.

1. هیچ يك از مقررات این میثاق نباید به نحوی تفسیر شود که متضمن ایجاد حقی برای دولتی یا گروهی یا فردی گردد که به استناد آن به منظور تزییع هر يك از حقوق و آزادیهای شناخته شده در این میثاق و یا محدود نمودن آن بیش از آنچه در این میثاق پیشبینی شده است مبادرت به فعالیتی بکند و یا اقدامی بعمل آورد.

2. هیچ گونه محدودیت یا انحراف از هر يك از حقوق اساسی بشر که به موجب قوانین - کنوانسیونها (5) یا آئیننامهها یا عرف و عادات نزد هر دولت طرف این میثاق به رسمیت شناخته شده نافذ و جاری است به عذر این که این میثاق چنین حقوقی را به رسمیت نشناخته یا این که به میزان کمتری به رسمیت شناخته است قابل قبول نخواهد بود.

***** ** *****

بخش سوم

1. حق زندگی از حقوق ذاتی شخص انسان است.

این حق باید به موجب قانون حمایت بشود. هیچ فردی را نمیتوان خودسرانه (بدون مجوز) از زندگی محروم کرد.

2. در کشورهایی که مجازات اعدام لغو نشده صدور حکم اعدام جائز نیست مگر در مورد مهمترین جنایات طبق قانون لازم الاجرا در زمان ارتکاب جنایت که آنها نباید با مقررات این میثاق و کنوانسیونها (6) راجع به جلوگیری و مجازات جرم کشتار دسته جمعی (ژنوسید) منافات داشته باشد. اجرای این مجازات جایز نیست مگر به موجب حکم قطعی صادر از دادگاه صالح.

3. در مواقعی که سلب حیات تشکیل دهنده جرم کشتار دسته جمعی باشد چنین معهود است که هیچ يك از مقررات این ماده دولتهای طرف این میثاق را مجاز نمیدارد که به هیچ نحو از هیچ يك از الزاماتی که به موجب مقررات کنوانسیون جلوگیری و مجازات جرم کشتار دسته جمعی (ژنوسید) تقبل شده انحراف ورزند.

4. هر محکوم به اعدامی حق خواهد داشت که در خواست عفو یا تخفیف مجازات بنماید عفو عمومی یا عفو فردی یا تخفیف مجازات اعدام در تمام موارد ممکن است اعطا شود.

5. حکم اعدام در مورد جرائم ارتكابي اشخاص کمتر از هیجده سال صادر نمیشود و در مورد زنان باردار قابل اجرا نیست.

6. هیچ يك از مقررات این ماده برای تأخیر یا منع الغاء مجازات اعدام از طرف دولتهای طرف این میثاق قابل استناد نیست.

ماده 7

هیچ کس را نمیتوان مورد آزار و شکنجه یا مجازاتها یا رفتاریهای ظالمانه یا خلاف انسانی یا ترذیلی قرار داد. مخصوصاً قرار دادن يك شخص تحت آزمایشهای پزشکی یا علمی بدون رضایت آزادانه او ممنوع است.

ماده 8

1. هیچ کس را نمیتوان در برده‌گی نگاه داشت. برده‌گی و خرید و فروش برده بهر نحوی از انحاء ممنوع است.

2. هیچ کس را نمیتوان در بندگی (غلامی) نگاه داشت.

3. الف - هیچ کس به انجام اعمال شاقه یا کار اجباری وادار نخواهد شد.

ب - شق الف بند 3 را نمیتوان چنین تفسیر کرد که در کشورهایی که بعضی از جنایات قابل مجازات با اعمال شاقه است مانع اجرای اعمال شاقه مورد حکم صادره از دادگاه صالح بشود.

ج - "اعمال شاقه یا کار اجباری" مذکور در این بند شامل امور زیر نیست:

اول - هر گونه کار یا خدمات ذکر نشده در شق "ب" که متعارفاً به کسی که به موجب يك تصمیم قضایی قانونی زندانی است یا به کسی که موضوع چنین تصمیمی بوده و در حال آزادی مشروط باشد تکلیف می‌گردد.

دوم - هر گونه خدمت نظامی و در کشورهایی که امتناع از خدمت وظیفه به سبب محظورات وجدانی به رسمیت شناخته شده است هر گونه خدمت ملی که به موجب قانون بامتناع کنندگان وجدانی تکلیف می‌شود.

سوم - هر گونه خدمتی که در موارد قوه قهریه (فرس ماژور) یا بلیاتی که حیات یا رفاه جامعه را تهدید می‌کند تکلیف بشود.

چهارم - هر کار یا خدمتی که جزئی از الزامات مدنی (اجتماعی) متعارف باشد.

ماده 9

1. هر کس حق آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچ کس را نمی‌توان خودسرانه (بدون مجوز) دستگیر یا بازداشت (زندانی) کرد. از هیچ کس نمی‌توان سلب آزادی کرد مگر به جهات و طبق آئین دادرسی مقرر به حکم قانون.

2. هر کس دستگیر می‌شود باید در موقع دستگیر شدن از جهات (علل) آن مطلع شود و در اسرع وقت اختاریه‌ای دائر بهر گونه اتهامیکه به او نسبت داده می‌شود دریافت دارد.

3. هر کس به اتهام جرمی دستگیر یا بازداشت (زندانی) می‌شود باید او را در اسرع وقت در محضر دادرس یا هر مقام دیگری که به موجب قانون مجاز به اعمال اختیارات قضایی باشد حاضر نمود و باید در مدت معقولي دادرسی یا آزاد شود. بازداشت (زندانی نمودن) اشخاصی که در انتظار دادرسی هستند نباید قانونی کلی باشد لیکن آزادی موقت ممکن است موکول باخذ تضمینهایی بشود که حضور متهم را در جلسه دادرسی و سایر مراحل رسیدگی قضایی و حسب مورد برای اجرای حکم تأمین نماید.

4. هر کس که بر اثر دستگیر یا بازداشت (زندانی) شدن از آزادی محروم می‌شود حق دارد که به دادگاه تظلم نماید به این منظور که دادگاه بدون تأخیر راجع به قانونی بودن بازداشت اظهار رأی بکند و در صورت غیرقانونی بودن بازداشت حکم آزادی او را صادر کند.

5. هر کس که بطور غیرقانونی دستگیر یا بازداشت (زندانی) باشد حق جبران خسارت خواهد داشت.

ماده 10

درباره کلیه افراد که از آزادی خود محروم شده‌اند باید با انسانیت و احترام به حیثیت ذاتی شخص انسان رفتار کرد.

2. الف - متهمین جز در موارد استثنایی از محکومین جدا نگاهداری خواهند شد و تابع نظام جداگانه‌ای متناسب با وضع اشخاص غیرمحکوم خواهند بود.

ب - صغار متهم باید از بزرگسالان جدا بوده و باید در اسرع اوقات ممکن در مورد آنان اتخاذ تصمیم بشود.

3. نظام زندانها متضمن رفتاري با محکومين خواهد بود که هدف اساسي آن اصلاح و اعاده حیثیت اجتماعي زندانيان باشد.

صغار بزهکار باید از بزرگسالان جدا بوده و تابع نظامي متناسب با سن و وضع قانونیشان باشند.

ماده 11

هیچ کس را نمیتوان تنها به این علت که قادر به اجرای يك تعهد قراردادي خود نیست زنداني کرد.

ماده 12

1. هر کس قانوناً در سرزمین دولتي مقیم باشد حق عبور و مرور آزادانه و انتخاب آزادانه مسکن خود را در آنجا خواهد داشت.

2. هر کس آزاد است هر کشوري و از جمله کشور خود را ترك کند.

3. حقوق مذکور فوق تابع هیچ گونه محدوديتي نخواهد بود مگر محدوديتهايي که به موجب قانون مقرر گردیده و برای حفظ امنیت ملي - نظم عمومي - سلامت یا اخلاق عمومي یا حقوق و آزاديهاي ديگران لازم بوده و با سایر حقوق شناخته شده در این میثاق سازگار باشد.

4. هیچ کس را نمیتوان خودسرانه (بدون مجوز) از حق ورود به کشور خود محروم کرد.

ماده 13

بیگانه‌اي که قانوناً در قلمرو يك دولت طرف این میثاق باشد فقط در اجرای تصميمي که مطابق قانون اتخاذ شده باشد ممکن است از آن کشور اخراج بشود و جز در مواردی که جهات حتمي امنیت ملي طور ديگر اقتضا نماید باید امکان داشته باشد که علیه اخراج خود موجهاً اعتراض کند و اعتراض او در مقام صالح یا نزد شخص یا اشخاص منصوب بخصوص از طرف مقام صالح با حضور نماینده‌اي که به این منظور تعیین می‌کند رسیدگی شود.

ماده 14

1. همه در مقابل دادگاهها و دیوانهای دادگستری متساوی هستند. هر کس حق دارد به این که به دادخواهی او منصفانه و علنی در یک دادگاه صالح مستقل و بیطرف تشکیل شده طبق قانون رسیدگی بشود و آن دادگاه درباره حقانیت اتهامات جزائی علیه او یا اختلافات راجع به حقوق و الزمات او در مورد مدنی اتخاذ تصمیم بنماید.

تصمیم به سری بودن جلسات در تمام یا قسمتی از دادرسی خواه به جهات اخلاق حسنه یا نظم عمومی یا امنیت ملی در یک جامعه دموکراتیک و خواه در صورتی که مصلحت زندگی خصوصی اصحاب دعوی اقتضاء کند و خواه در مواردی که از لحاظ کیفیات خاص علنی بودن جلسات مضر به مصالح دادگستری باشد تا حدی که دادگاه لازم بداند امکان دارد، لیکن حکم صادر در امور کیفری یا مدنی علنی خواهد بود مگر آنکه مصلحت صغار طور دیگری اقتضاء نماید یا دادرسی مربوط به اختلافات زناشویی یا ولایت اطفال باشد.

2. هر کس به ارتکاب جرمی متهم شده باشد حق دارد بیگناه فرض شود تا این که مقصر بودن او بر طبق قانون محرز بشود.

3. هر کس متهم به ارتکاب جرمی بشود با تساوی کامل لااقل حق تضمینهای ذیل را خواهد داشت:

الف - در اسرع وقت و به تفصیل به زبانی که او بفهمد از نوع و علل اتهامی که به او نسبت داده میشود مطلع شود.

ب - وقت و تسهیلات کافی برای تهیه دفاع خود و ارتباط با وکیل منتخب خود داشته باشد.

ج - بدون تأخیر غیرموجه درباره او قضاوت بشود.

د- در محاکمه حاضر بشود و شخصاً یا به وسیله وکیل منتخب خود از خود دفاع کند و در صورتی که وکیل نداشته باشد حق داشتن وکیل به او اطلاع داده شود و در مواردی که مصالح دادگستری اقتضاء نماید از طرف دادگاه رأساً برای او وکیل تعیین بشود که در صورت عجز او از پرداخت حق الوکاله هزینه‌ای نخواهد داشت.

ه- از شهودی که علیه او شهادت میدهند سئوالات بکند یا بخواهد که از آنها سئوالاتی بشود و شهودی که له او شهادت میدهند با همان شرایط شهود علیه او احضار و از آنها سئوالات بشود.

و- اگر زبانی را که در دادگاه تکلم میشود نمیفهمد و یا نمیتواند

به آن تکلم کند يك مترجم مجاناً به او کمک کند.

ز- مجبور نشود که علیه خود شهادت دهد و یا به مجرم بودن اعتراف نماید.

4. آئین دادرسی جوانانی که از لحاظ قانون جزا هنوز بالغ نیستند باید به نحوی باشد که رعایت سن و مصلحت اعاده حیثیت آنان را بنماید.

5. هرکس مرتکب جرمی اعلام بشود حق دارد که اعلام مجرمیت و محکومیت او به وسیله يك دادگاه عالیتری طبق قانون مورد رسیدگی واقع بشود.

6. هرگاه حکم قطعی محکومیت جزائی کسی بعداً فسخ بشود یا يك امر حادث یا امری که جدیداً کشف شده دال بر وقوع يك اشتباه قضایی باشد و بالنتیجه مورد عفو قرار گیرد شخصی که در نتیجه این محکومیت متحمل مجازات شده استحقاق خواهد داشت که خسارت او طبق قانون جبران بشود مگر این که ثابت شود که عدم افشاء به موقع حقیقت مکتوم کلا یا جزاً منتسب به خود او بوده است.

7. هیچ کس را نمیتوان برای جرمی که به علت اتهام آن به موجب حکم قطعی صادر طبق قانون آئین دادرسی کیفری هر کشوری محکوم یا تبرئه شده است مجدداً مورد تعقیب و مجازات قرار داد.

ماده 15

1. هیچ کس به علت فعل یا ترك فعلی که در موقع ارتکاب بر طبق قوانین ملی یا بین‌المللی جرم نبوده محکوم نمیشود و همچنین هیچ مجازاتی شدیدتر از آنچه در زمان ارتکاب جرم قابل اعمال بوده تعیین نخواهد شد هرگاه پس از ارتکاب جرم قانون مجازات خفیفتری برای آن مقرر دارد مرتکب از آن استفاده خواهد نمود.

2. هیچ يك از مقررات این ماده با دادرسی و محکوم کردن هر شخصی که به علت فعل یا ترك فعلی که در زمان ارتکاب بر طبق اصول کلی حقوق شناخته شده در جامعه ملتها مجرم بوده منافات نخواهد داشت.

ماده 16

هر کس حق دارد به این که شخصیت حقوقی او همه جا شناخته شود.

ماده 17

1. هیچ کس نباید در زندگی خصوصی و خانواده و اقامتگاه یا مکاتبات مورد مداخلات خودسرانه (بدون مجوز) یا خلاف قانون قرار گیرد و همچنین شرافت و حیثیت او نباید مورد تعرض غیرقانونی واقع شود.

2. هر کس حق دارد در مقابل این گونه مداخلات یا تعرضها از حمایت قانون برخوردار گردد.

ماده 18

1. هر کس حق آزادی فکر و وجدان و مذهب دارد. این حق شامل آزادی - داشتن یا قبول يك مذهب یا معتقدات به انتخاب خود، همچنین آزادی ابراز مذهب یا معتقدات خود، خواه بطور فردی یا جماعت خواه بطور علنی یا در خفا در عبادات و اجرای آداب و اعمال و تعلیمات مذهبی می‌باشد.

2. هیچ کس نباید مورد اکراهی واقع شود که به آزادی او در داشتن یا قبول يك مذهب یا معتقدات به انتخاب خودش لطمه وارد آورد.

3. آزادی ابراز مذهب یا معتقدات را نمی‌توان تابع محدودیتهایی نمود مگر آنچه منحصراً به موجب قانون پیش‌بینی شده و برای حمایت از امنیت، نظم، سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادیهای اساسی دیگران ضرورت داشته باشد.

4. دولتهای طرف این میثاق متعهد میشوند که آزادی والدین و برحسب مورد سرپرستان قانونی کودکان را در تأمین آموزش مذهبی و اخلاقی کودکان مطابق معتقدات خودشان محترم بشمارند.

ماده 19

1. هیچ کس را نمی‌توان به مناسبت عقایدش مورد مزاحمت و اخافه قرار داد.

2. هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به سرحدات خواه شفاهاً یا به صورت نوشته یا چاپ یا به صورت هنری یا بهر وسیله دیگر با انتخاب خود می‌باشد.

3. اعمال حقوق مذکور در بند 2 این ماده مستلزم حقوق و مسئولیت های خاص است و لذا ممکن است تابع محدودیتهای معینی بشود که در قانون تصریح شده و برای امور ذیل ضرورت داشته باشد:

الف - احترام حقوق با حیثیت دیگران.

ب - حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی یا سلامت یا اخلاق عمومی.

ماده 20

1. هر گونه تبلیغ برای جنگ به موجب قانون ممنوع است.

2. هر گونه دعوت (ترغیب) به کینه (تنفر) ملی یا نژادی یا مذهبی که محرک تبعیض یا مخاصمه یا اعمال زور باشد به موجب قانون ممنوع است.

ماده 21

حق تشکیل مجامع مسالمت‌آمیز به رسمیت شناخته می‌شود اعمال این حق تابع هیچ گونه محدودیتی نمی‌تواند باشد جز آنچه بر طبق قانون مقرر شده و در يك جامعه دموکراتیک به مصلحت امنیت ملی یا ایمنی عمومی یا نظم عمومی یا برای حمایت از سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادیهای دیگران ضرورت داشته باشد.

ماده 22

1. هر کس حق اجتماع آزادانه با دیگران را دارد از جمله حق تشکیل سندیکا (اتحادیه‌های صنفی) و الحاق به آن برای حمایت از منافع خود.

2. اعمال این حق تابع هیچ گونه محدودیتی نمی‌تواند باشد مگر آنچه که به موجب قانون مقرر گردیده و در يك جامعه دموکراتیک به مصلحت امنیتی ملی یا ایمنی عمومی - نظم عمومی یا برای حمایت از سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادیهای دیگران ضرورت داشته باشد. این ماده مانع از آن نخواهد شد که اعضای نیروهای مسلح و پلیس در اعمال این حق تابع محدودیتهای قانونی بشوند.

3. هیچ يك از مقررات این ماده دولتهای طرف کنوانسیون مورخ 1948 سازمان بین‌المللی کار مربوط به آزادی سندیکایی و حمایت از حق سندیکایی (حق متشکل شدن) را مجاز نمی‌دارد که با اتخاذ تدابیر قانونگذاری یا با نحوه اجرای قوانین به تضمینهای مقرر در آن کنوانسیون لطمه وارد آورند.

ماده 23

1. خانواده عنصر(7) طبیعی و اساسی جامعه است و استحقاق حمایت جامعه و حکومت را دارد.
2. حق نکاح و تشکیل خانواده برای زنان و مردان از زمانی که به سن ازدواج می‌رسند به رسمیت شناخته می‌شود.
3. هیچ نکاحی بدون رضایت آزادانه و کامل طرفین آن منعقد نمی‌شود.
4. دولتهای طرف این میثاق تدابیر مقتضی به منظور تساوی حقوق و مسئولیتهای زوجین در مورد ازدواج در مدت زوجیت و هنگام انحلال آن اتخاذ خواهند کرد. در صورت انحلال ازدواج پیش‌بینی‌هایی برای تأمین حمایت لازم از اطفال به عمل خواهند آورد.

ماده 24

1. هر کودکی بدون هیچ گونه تبعیض از حیث نژاد - رنگ - جنس - زبان - مذهب - اصل و منشأ ملی یا اجتماعی - مکتب یا نسب - دارد از تدابیر حمایتی که به اقتضای وضع صغیر بودنش از طرف خانواده او و جامعه و حکومت کشور او باید به عمل آید برخوردار گردد.
2. هر کودکی باید بلافاصله پس از ولادت به ثبت برسد و دارای نامی بشود.
3. هر کودکی حق تحصیل تابعیتی را دارد.

ماده 25

- هر انسان عضو اجتماع (8) حق و امکان خواهد داشت بدون (در نظر گرفتن) هیچ یک از تبعیضات مذکور در ماده 2 و بدون محدودیت غیرمعقول:
- الف - در اداره امور عمومی بالمباشره یا بواسطه نمایندگان که آزاد انتخاب شوند شرکت نماید.
 - ب - در انتخابات ادواری که از روی صحت به آراء عمومی مساوی و مخفی انجام شود و تضمین کننده بیان آزادانه اراده انتخاب کنندگان باشد رأی بدهد و انتخاب بشود.
 - ج - با حق تساوی طبق شرایط کلی بتواند به مشاغل عمومی کشور خود نائل شود.

1. کلیه اشخاص در مقابل قانون متساوی هستند و بدون هیچ‌گونه تبعیض استحقاق حمایت بالسطویه قانون را دارند.

از این لحاظ قانون باید هر گونه تبعیضی را منع و برای کلیه اشخاص حمایت مؤثر و متساوی علیه هر نوع تبعیض خصوصاً از حیث نژاد - رنگ - جنس - زبان - مذهب عقاید سیاسی و عقاید دیگر - اصل و منشأ ملی یا اجتماعی - مکتب - نسب - یا هر وضعیت دیگر تضمین بکند.

در کشورهایی که اقلیتهای نژادی، مذهبی یا زبانی وجود دارند، اشخاص متعلق به اقلیتهای مزبور را نمیتوان از این حق محروم نمود که مجتمعاً با سایر افراد گروه خودشان از فرهنگ خاص خود متمتع شوند و به دین خود متدین بوده و بر طبق آن عمل کنند یا به زبان خود تکلم نمایند.

1. يك کمیته حقوق بشر (که از این پس در این میثاق کمیته نامیده خواهد شد) تأسیس میشود. این کمیته مرکب از هیجده عضو است و متصدی خدمات بشری ذیل میباشد:

الف - کمیته مرکب خواهد بود از اتباع کشورهای طرف این میثاق که باید از شخصیت‌های دارای مکارم عالی اخلاقی بوده و صلاحیتشان در زمینه حقوق بشر محرز (شناخته شده) باشد. مفید بودن شرکت بعضی اشخاص واجد تجربه در امور قضائی در کارهای این کمیته مورد توجه واقع خواهد شد.

ب - اعضای کمیته انتخابی هستند و برحسب صلاحیت شخصی خودشان (9) خدمت خواهند نمود.

1. اعضای کمیته با رأی مخفی از فهرست اشخاص واجد شرایط مذکور در ماده 28 که به این منظور به وسیله کشورهای طرف این میثاق نامزد شده‌اند انتخاب میشوند.

2. هر کشور طرف این میثاق نمیتواند بیش از دو نفر نامزد کند.

3. تجديد نامزدي يك شخص مجاز است.

ماده 30

1. اولين انتخابات ديرتر از شش ماه پس از لازم الاجرا شدن اين ميثاق انجام نخواهد شد.

2. براي انتخابات كميته هر بار حداقل چهار ماه پيش از تاريخ انجام آن - به استثناي انتخاباتي كه براي اشغال محل خالي طبق ماده 34 بعمل مي آيد - دبيركل سازمان ملل متحد از كشورهاي طرف اين ميثاق كتباً دعوت خواهد نمود كه نامزدهاي خود را براي عضويت كميته ظرف سه ماه معرفي كنند.

3. دبيركل سازمان ملل متحد فهرستي به ترتيب حروف الفباء از كليۀ اشخاصي كه به اين ترتيب نامزد ميشوند با ذكر نام كشورهايي كه آنان را معرفي کرده اند تهيه و آنها حداكثر يك ماه قبل از تاريخ انتخابات به كشورهاي طرف اين ميثاق ارسال خواهد داشت.

4. انتخاب اعضاي كميته در جلسهاي كه به دعوت دبيركل سازمان ملل متحد از كشورهاي طرف اين ميثاق در مركز سازمان ملل متحد تشكيل خواهد شد انجام ميشود. نصاب اين جلسه دو سوم كشورهاي طرف اين ميثاق است و منتخبين نامزدهائي خواهند بود كه بيشترين تعداد رأی را به دست آورده و حائز اكثريت تام آراء نمايندگان كشورهاي حاضر و رأی دهنده باشند.

ماده 31

1. كميته نمي تواند بيش از يك تبعه از هر كشوري عضو داشته باشد.

2. در انتخاب اعضاي كميته رعايت تقسيمات عادلانه جغرافيايي و شركت نمايندگان اشكال مختلف تمدنها و سيستم (نظام) هاي عمده حقوقي خواهد شد.

ماده 32

1. اعضاي كميته براي مدت 4 سال انتخاب ميشوند و در صورتي كه مجدداً نامزد شوند تجديد انتخاب آنان مجاز خواهد بود ليكن مدت عضويت 9 تن از اعضاء منتخب در اولين انتخابات در پايان دو سال مقتضي ميشود نام اين 9 تن بلافاصله پس از اولين انتخابات به وسيله قرعه توسط رئيس جلسه مذکور در بند 4 ماده 30 معين ميشود.

2. در انقضای دوره تصدی انتخابات طبق مواد قبلی این بخش میثاق بعمل خواهد آمد.

ماده 33

1. هرگاه يك عضو کمیته، به نظر مورد اتفاق آراء سایر اعضای کمیته انجام خدمات خود را به هر علتی جز غیبت موقت قطع نموده باشد رئیس کمیته، دبیرکل سازمان ملل متحد را مطلع و او کرسی عضو مزبور را بلامتصدي اعلام می‌کند.

2. در صورت فوت یا استعفای يك عضو کمیته، رئیس کمیته فوراً دبیرکل سازمان ملل متحد را مطلع و او آن کرسی را از تاریخ فوت یا تاریخی که به استعفاء ترتیب اثر داده میشود بلامتصدي اعلام می‌کند.

ماده 34

1. هرگاه بلامتصدي بودن يك کرسی بر طبق ماده 33 اعلام شود و دوره تصدی عضوی که جانشینش باید انتخاب گردد ظرف ششماه از تاریخ اعلام بلامتصدي بودن منقضی نشود، دبیرکل سازمان ملل متحد به هر يك از کشورهای طرف این میثاق اعلام خواهند نمود که می‌توانند ظرف مدت دو ماه نامزدهای خود را بر طبق ماده 29 اشغال کرسی بلامتصدي معرفی کنند.

2. دبیرکل سازمان ملل متحد فهرستی به ترتیب حروف الفباء از کلیه اشخاصی که به این ترتیب نامزد میشوند با ذکر نام کشورهائی که آنان را معرفی کرده‌اند تهیه و آنرا حداکثر يك ماه قبل از تاریخ انتخابات به کشورهای طرف این میثاق ارسال خواهد داشت.

4. انتخاب اعضای کمیته در جلسهای که به دعوت دبیرکل سازمان ملل متحد از کشورهای طرف این میثاق در مرکز سازمان ملل متحد تشکیل خواهد شد انجام میشود. نصاب این جلسه دو سوم کشورهای طرف این میثاق است و منتخبین نامزدهایی خواهند بود که بیشترین تعداد رأی را به دست آورده و حائز اکثریت تام آراء نمایندگان کشورهای حاضر و رأی دهنده باشند.

ماده 35

اعضای کمیته با تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد طبق شرایطی که مجمع عمومی با توجه به اهمیت خدمات کمیته تعیین نماید از منابع سازمان ملل متحد مقررری دریافت خواهند داشت.

دبیرکل سازمان ملل متحد کارمندان و وسائل مادی مورد احتیاج برای اجرای مؤثر وظایفی که کمیته به موجب این میثاق به عهده دارد در اختیار کمیته خواهد گذاشت.

1. دبیرکل سازمان ملل متحد اعضای کمیته را برای تشکیل نخستین جلسه در مرکز سازمان ملل متحد دعوت می‌کند.

2. پس از نخستین جلسه کمیته در اوقاتی که در آئین نامه داخلی آن پیش‌بینی می‌شود تشکیل جلسه خواهد داد.

3. کمیته معمولاً در مرکز سازمان ملل متحد یا در دفتر سازمان ملل متحد در ژنو تشکیل جلسه خواهد داد.

هر عضو کمیته باید پیش از تصدی وظایف خود در جلسه علنی طی تشریفات رسمی تعهد کند که وظایف خود را با کمال بیطرفی و از روی کمال وجدان ایفاء خواهد کرد.

1. کمیته هیأت رئیسه خود را برای مدت دو سال انتخاب خواهد کرد. اعضای هیأت رئیسه قابل انتخاب مجدد هستند.

2. کمیته آئین نامه داخلی را خود تنظیم می‌کند. آئین نامه مزبور از جمله مشتمل بر مقررات ذیل خواهد بود:

الف - حد نصاب رسمیت جلسات حضور دوازده عضو است.

ب - تصمیمات کمیته با اکثریت آراء اعضاء حاضر اتخاذ می‌گردد.

1. کشورهای طرف این میثاق متعهد می‌شوند درباره تدابیری که اتخاذ کرده‌اند و آن تدابیر به حقوق شناخته شده در این میثاق ترتیب اثر می‌دهد و درباره پیشرفتهای حاصل در تمتع از این حقوق گزارشهایی تقدیم بدارند.

الف - طرف یکسال از تاریخ لازم الاجراء شدن این میثاق برای هر کشور طرف میثاق در امور مربوط به آن کشور.

ب - پس از آن هر موقع که کمیته چنین درخواستی بنماید.

2. کلیه گزارشها باید خطاب به دبیرکل سازمان ملل متحد باشد و او آنها را برای رسیدگی به کمیته ارجاع خواهد کرد. گزارشها باید حسبالمورد حاکی از عوامل و مشکلاتی باشد که در اجرای مقررات این میثاق تأثیر دارند.

3. دبیرکل سازمان ملل متحد میتواند پس از مشورت با کمیته، رونوشت قسمتهایی از گزارشها را که ممکن است مربوط به امور مشمول صلاحیت مؤسسات تخصصی باشد برای آن مؤسسات ارسال دارد.

4. کمیته گزارشهای واصل از کشورهای طرف این میثاق را بررسی میکند و گزارشهای خود و همچنین هرگونه ملاحظات کلی که مقتضی بداند به کشورهای طرف این میثاق ارسال خواهد داشت. کمیته نیز میتواند این ملاحظات را بضمیمه گزارشهای واصل از کشورهای طرف این میثاق به شورای اقتصادی و اجتماعی تقدیم بدارد.

5. کشورهای طرف این میثاق میتوانند نظریاتی درباره هر گونه ملاحظاتی که بر طبق بند 4 این ماده اظهار شده باشد به کمیته ارسال دارند.

ماده 41

1. هر کشور طرف این میثاق میتواند به موجب این ماده هر موقع اعلام بدارد که صلاحیت کمیته را برای دریافت و رسیدگی به اطلاعاتی دایر بر ادعای هر کشور طرف میثاق که کشور دیگر طرف میثاق تعهدات خود را طبق این میثاق انجام نمیدهد برسمیت میشناسد. به موجب این ماده فقط اطلاعاتی قابل دریافت و رسیدگی خواهد بود که توسط يك کشور طرف میثاق که شناسایی صلاحیت کمیته را نسبت به خود اعلام کرده باشد تقدیم بشود. هیچ اطلاعاتی مربوط به يك کشور طرف این میثاق که چنین اعلامی نکرده باشد قابل پذیرش نخواهد بود. نسبت به اطلاعاتی که به موجب این ماده دریافت میشود به ترتیب ذیل اقدام خواهد شد:

الف - اگر يك کشور طرف میثاق تشخیص دهد که کشور دیگر طرف میثاق به مقررات این میثاق ترتیب اثر نمیدهد میتواند بوسیله اطلاعیه کتبی توجه آن کشور طرف میثاق را به موضوع جلب کند. در ظرف مدت سه

ماه پس از وصول اطلاعیه کشور دریافت کننده آن توضیح یا هر گونه اظهار کتبی دیگر دائر به روشن کردن موضوع در اختیار کشور فرستنده اطلاعیه خواهد گذارد. توضیحات و اظهارات مزبور حتی الامکان و تا جائیکه مقتضی باشد از جمله حاوی اطلاعاتی خواهد بود در خصوص قواعد دادرسی طبق قوانین داخلی آن کشور و آنچه که برای علاج آن بعمل آمده یا در جریان رسیدگی است یا آنچه در این مورد قابل استفاده بعدی است.

ب - اگر در طرف ششماه پس از وصول اولین اطلاعیه به کشور دریافت کننده موضوع با رضایت هر دو طرف مربوط فیصله نیابد هر يك از طرفین حق خواهد داشت با ارسال اخطاریه‌ای به کمیته و به طرف مقابل موضوع را به کمیته ارجاع نماید.

ج - کمیته به موضوع مرجوعه فقط پس از احراز اینکه بنابر اصول متفق علیه حقوق بین‌الملل کلیه طرق شکایت طبق قوانین داخلی در موضوع مورد استناد واقع و طی شده است به موضوع مرجوعه رسیدگی می‌کند. این قاعده در مواردی که طی طرق شکایت به نحو غیرمعقول طولانی باشد مجری نخواهد بود.

د - کمیته در موقع رسیدگی با اطلاعیه‌های واصل به موجب این ماده جلسات سری تشکیل خواهد داد.

ه - با رعایت مقررات شق "ج" کمیته به منظور حل دوستانه موضوع مورد اختلاف براساس احترام به حقوق بشر و آزادیهای اساسی شناخته شده در این میثاق مساعی جمیله خود را در اختیار کشورهای ذینفع طرف میثاق خواهد گذارد.

و - کمیته در کلیه امور مرجوعه بخود می‌تواند از کشورهای (ذینفع) طرف اختلاف موضوع شق "ب" هر گونه اطلاعات مربوط به قضیه را بخواهد.

ز - کشورهای ذینفع طرف میثاق موضوع شق "ب" حق خواهند داشت هنگام رسیدگی به قضیه در کمیته نماینده داشته باشند و ملاحظات خود را شفاهاً یا کتبا یا بهر يك از دو شق اظهار بدارند.

ح - کمیته باید در مدت 12 ماه پس از تاریخ دریافت اخطاریه موضوع شق "ب" گزارش بدهد:

(1) اگر راه حلی طبق مقررات شق "ه" حاصل شده باشد کمیته گزارش خود را به شرح مختصر قضایا و راه حل حاصله حصر خواهد کرد.

(2) اگر راه حلی طبق مقررات شق "ه" حاصل نشده باشد کمیته در گزارش خود به شرح مختصر قضایا اکتفا خواهد کرد. متن ملاحظات کتبی و صورت مجلس ملاحظات شفاهی که کشورهای ذینفع طرف میثاق اظهار کرده‌اند ضمیمه گزارش خواهد بود. برای هر موضوعی گزارشی به کشورهای ذینفع طرف میثاق ابلاغ خواهد شد.

2. مقررات این ماده موقعی لازم‌الاجراء خواهد شد که ده کشور طرف این میثاق اعلامیه‌های پیش‌بینی شده در بند اول این ماده را داده باشند. اعلامیه‌های مذکور توسط کشور طرف میثاق نزد دبیرکل سازمان ملل متحد تودیع می‌شود و او رونوشت آن را برای سایر کشورهای طرف میثاق ارسال خواهد داشت. اعلامیه ممکن است هر موقع به وسیله اختاریه خطاب به دبیرکل مسترد گردد. این استرداد به رسیدگی هر مسئله موضوع يك اطلاعیه قبلا به موجب این ماده ارسال شده باشد خللی وارد نمی‌کند.

هیچ اطلاعیه دیگری پس از وصول اختاریه استرداد اعلامیه به دبیرکل پذیرفته نمی‌شود مگر اینکه کشور ذینفع طرف میثاق اعلامیه جدیدی داده باشد.

ماده 42

1. الف - اگر مسئله مرجوعه به کمیته طبق ماده 41 با رضایت کشورهای ذینفع طرف میثاق حل نشود کمیته می‌تواند با موافقت قبلی کشورهای ذینفع طرف میثاق يك کمیسیون خاص سازش تشکیل بدهد (که از این پس کمیسیون نامیده می‌شود). کمیسیون به منظور نیل به يك راه حل دوستانه مسئله براساس احترام این میثاق مساعی جمیله خود را در اختیار کشورهای ذینفع طرف میثاق می‌گذارد.

ب - کمیسیون مرکب از پنج عضو است که با توافق کشورهای ذینفع طرف میثاق تعیین می‌شوند. اگر کشورهای ذینفع طرف میثاق درباره ترکیب تمام یا بعضی از اعضاء کمیسیون در مدت سه ماه به توافق نرسند آن عده از اعضاء کمیسیون که درباره آنها توافق نشده است از بین اعضاء کمیته با رأی مخفی به اکثریت دو ثلث اعضاء کمیته انتخاب می‌شوند.

2. اعضاء کمیسیون برحسب صلاحیت شخصی خودشان (10) انجام وظیفه می‌کنند. آنها نباید از اتباع کشورهای ذینفع طرف میثاق بوده یا از اتباع کشوری که طرف این میثاق نیست یا از اتباع کشور طرف این میثاق که اعلامیه مذکور در ماده 41 را نداده باشد.

3. کمیسیون رئیس خود را انتخاب و آئین نامه داخلی خود را تصویب می‌کند.

4. جلسات کمیسیون معمولاً در مرکز سازمان ملل متحد یا در دفتر سازمان ملل متحد در ژنو تشکیل خواهد شد معه‌ذا جلسات مزبور ممکن است با مشورت دبیرکل سازمان ملل متحد و کشورهای ذینفع طرف میثاق در محل مناسب دیگری تشکیل شود.

5. دبیرخانه پیش‌بینی شده در ماده 36 خدمات دفتری کمیسیونهای متشکل به موجب این ماده را انجام می‌دهد.

6. اطلاعاتی که کمیته دریافت و رسیدگی می‌کند در اختیار کمیسیون گذارده می‌شود و کمیسیون می‌تواند از کشورهای ذینفع طرف میثاق تهیه هر گونه اطلاع تکمیلی مربوط دیگری را بخواهد.

7. کمیسیون پس از مطالعه مسئله از جمیع جهات ولی در هر صورت حداکثر در مدت دوازده ماه پس از ارجاع امر به آن گزارشی به رئیس کمیته تقدیم می‌دارد و او آنرا به کشورهای ذینفع طرف میثاق ابلاغ می‌نماید:

الف - اگر کمیسیون نتواند در مدت دوازده ماه رسیدگی را به اتمام برساند در گزارش خود اکتفا به بیان مختصر این نکته می‌کند که رسیدگی مسئله به کجا رسیده است.

ب - هرگاه يك راه حل دوستانه براساس احترام حقوق بشر بنحو شناخته شده در این میثاق حاصل شده باشد کمیسیون در گزارش خود به ذکر مختصر قضایا و راه حلی که به آن رسیده‌اند اکتفا می‌کند.

ج - هرگاه يك راه حل به مفهوم شق "ب" حاصل نشده باشد کمیسیون استنباط‌های خود را در خصوص کلیه نکات ماهیتی مربوط به مسئله مورد بحث بین کشورهای ذینفع طرف میثاق و همچنین نظریات خود را در خصوص امکانات حل دوستانه قضیه در گزارش خود درج می‌کند.

این گزارش همچنین محتوی ملاحظات کتبی و صورت مجلس ملاحظات شفاهی کشورهای ذینفع طرف میثاق خواهد بود.

د - هرگاه گزارش کمیسیون طبق شق "ج" تقدیم بشود کشورهای ذینفع طرف میثاق در مدت سه ماه پس از وصول گزارش به رئیس کمیته اعلام می‌دارند که مندرجات گزارش کمیسیون را می‌پذیرند یا نه.

8. مقررات این ماده به اختیارات کمیته بر طبق ماده 41 خللی وارد نمی‌کند.

9. کلیه هزینه‌های اعضای کمیسیون بطور تساوی بین کشورهای ذینفع طرف میثاق براساس برآوردی که دبیرکل سازمان ملل متحد تهیه می‌کند تقسیم می‌شود.

10. دبیرکل سازمان ملل متحد اختیار دارد در صورت لزوم هزینه‌های اعضاء را قبل از آنکه کشورهای ذینفع طرف میثاق طبق بند 9 این ماده پرداخت کنند کارسازی دارد.

ماده 43

اعضای کمیته و اعضای کمیسیونهای خاص سازش که طبق ماده 42 ممکن است تعیین شوند حق دارند از تسهیلات و امتیازات و مصونیت‌های مقرر درباره کارشناسان مأمور سازمان ملل متحد مذکور در قسمتهای مربوطه مقاله نامه امتیازات و مصونیت‌های ملل متحد استفاده نمایند.

ماده 44

مقررات اجرائی این میثاق بدون اینکه به آئین نامه‌های دادرسی مقرر در زمینه حقوق بشر طبق اسناد تشکیل دهنده یا به موجب آن و مقاله نامه‌های سازمان ملل متحد و مؤسسات تخصصی خللی وارد سازد اعمال می‌شود و مانع از آن نیست که کشورهای طرف میثاق برای حل يك اختلاف طبق موافقت‌های بین‌المللی عمومی یا اختصاصی که ملزم به آن هستند متوسل به آئین نامه‌های دادرسی دیگری بشوند.

ماده 45

کمیته هر سال گزارش کارهای خود را توسط شورای اقتصادی و اجتماعی به مجمع عمومی سازمان ملل متحد تقدیم می‌دارد.

***** ** *****

بخش پنجم

ماده 46

هیچیک از مقررات این میثاق نباید بنحوی تفسیر بشود که به مقررات منشور ملل متحد اساسنامه‌های مؤسسات تخصصی دائر به تعریف مسئولیت‌های مربوط به هر يك از ارکان سازمان ملل متحد و مؤسسات

تخصصي نسبت به مسائل موضوع اين ميثاق لطمه‌اي وارد آورد.

ماده 47

هيچيك از مقررات اين ميثاق نبايد بنحوي تفسير بشود كه بحق ذاتي كليه ملل به تمتع و استفاده كامل و آزادانه آنان از منابع و ثروتهاي طبيعي خود شان لطمه‌اي وارد آورد.

***** ** *****

بخش ششم

ماده 48

1. اين ميثاق براي امضاي هر کشور عضو سازمان ملل متحد يا عضو هر يك از مؤسسات تخصصي آن يا هر کشور طرف متعاقد اساسنامه ديوان بين‌المللي دادگستري همچنين هر کشوري كه مجمع عمومي سازمان ملل متحد دعوت كند كه طرف اين ميثاق بشود مفتوح است.

2. اين ميثاق موكول به تصويب است. اسناد تصويب بايد نزد دبیرکل سازمان ملل متحد توديع شود.

3. اين ميثاق براي الحاق هر يك از کشورهای مذکور در بند اول اين ماده مفتوح خواهد بود.

4. الحاق بوسيله توديع سند الحاق نزد دبیرکل سازمان ملل متحد بعمل مي‌آيد.

5. دبیرکل سازمان ملل متحد كليه کشورهایي را كه اين ميثاق را امضاء کرده‌اند يا به آن ملحق شده‌اند از توديع هر سند تصويب يا الحاق مطلع خواهد كرد.

ماده 49

1. اين ميثاق سه ماه پس از تاريخ توديع سي و پنجمين سند تصويب يا الحاق نزد دبیرکل سازمان ملل متحد لازم‌الاجراء ميشود.

2. درباره هر کشوري كه اين ميثاق را پس از توديع سي و پنجمين سند تصويب يا الحاق تصويب كند يا به آن ملحق بشود اين ميثاق سه ماه پس از تاريخ توديع سند تصويب يا الحاق آن کشور لازم‌الاجراء ميشود.

ماده 50

مقرات این میثاق بدون هیچ‌گونه محدودیت یا استثناء درباره کلیه واحدهای تشکیل دهنده کشورهای متحده (فدرال) شمول خواهد داشت.

ماده 51

1. هر کشور طرف میثاق می‌تواند اصلاح این میثاق را پیشنهاد کند و متن آن را نزد دبیرکل سازمان ملل متحد تودیع کند. در این صورت دبیرکل سازمان ملل متحد هر طرح اصلاح پیشنهادی را به کشورهای طرف این میثاق ارسال می‌دارد و از آنها درخواست می‌نماید به او اعلام دارند که آیا مایلند کنفرانسی از کشورهای طرف میثاق به منظور بررسی و اخذ رأی درباره طرحهای پیشنهادی تشکیل گردد. در صورتیکه حداقل یک‌ثلاث کشورهای طرف میثاق موافق تشکیل چنین کنفرانسی باشند دبیرکل کنفرانس را در زیر لوای سازمان ملل متحد دعوت خواهد کرد. هر اصلاحی که مورد قبول اکثریت کشورهای حاضر و رأی‌دهنده در کنفرانس واقع بشود برای تصویب به مجمع عمومی سازمان ملل متحد تقدیم خواهد شد.

2. اصلاحات موقعی لازم‌الاجرا می‌شود که به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد برسد و اکثریت دو‌ثلاث کشورهای طرف این میثاق بر طبق قواعد قانون اساسی خودشان آنرا قبول کرده باشند.

3. موقعی که اصلاحات لازم‌الاجراء می‌شود برای آن دسته از کشورهای طرف میثاق که آن را قبول کرده‌اند الزام‌آور خواهد بود سایر کشورهای طرف میثاق کماکان به مقررات این میثاق و هر گونه اصلاح آن که قبلاً قبول کرده‌اند ملزم خواهند بود.

ماده 52

قطع نظر از اطلاعیه‌های مقرر در بند 5 ماده 48 دبیرکل سازمان ملل متحد مراتب زیر را به کلیه کشورهای مذکور در بند اول آن ماده اطلاع خواهد داد.

الف - امضاهای این میثاق و اسناد تصویب و الحاق تودیع شده طبق ماده 48

ب - تاریخ لازم‌الاجراء شدن این میثاق طبق ماده 49 و تاریخ لازم‌الاجراء شدن اصلاحات طبق ماده 51.

ماده 53

1. این میثاق که متنهای چینی - انگلیسی - فرانسه - روسی و اسپانیایی آن دارای اعتبار مساوی است در بایگانی سازمان ملل متحد تودیع خواهد شد.

2. دبیرکل سازمان ملل متحد رونوشت مصدق این میثاق را برای کلیه کشورهای مذکور در ماده 45 ارسال خواهد داشت.

***** ** *****